



گرامی باد
خاطره
شهدای
جمعه
سیاه

ازنش دست پرورده امپریالیسم آمریکا، دیروز
در میدان شهدا خون خلق ما را بر زمین ریخت
و امروز در کردستان ...

دومین کنگره سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که با دستاورد های بزرگی همراه بود، با موفقیت برگزار گردید



دومین کنگره

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دومین کنگره عادی سازمانی که از مدتی قبل کار خود را شروع کرده است هفته پیش با موفقیت به کار خود پایان داد. در این کنگره ماسی ترین مسائل ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی بطور مسوط و متروحي مورد بررسی و بحث قرار گرفت و پس از طی مبارزه ایدئولوژیک لازم در باره آنها تصمیم گیری و قطعنامه صادر گردید. کنگره در پایان کار خود مرکزیت جدید سازمان را که عهد هاد رهبری سازمان تا کنگره بعدی میباشد انتخاب نمود. مسائلی که در کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در باره آنها قطعنامه صادر گردید به شرح زیر است:

- ۱ - ارزیابی از وضعیت بحران جنبش کمونیستی جهانی و جنبش کمونیستی ایران و انعکاس آن در سازمان.
- ۲ - ساخت جامعه ایران و مرحله انقلاب.
- ۳ - ارزیابی سیاسی از شرایط کنونی و چشم انداز آن.
- ۴ - مسئله وحدت جنبش کمونیستی ایران.
- ۵ - رویزونیسم و سوسال امپریالیسم شوروی.
- ۶ - امر تبلیغ و ترویج
- ۷ - اساسنامه سازمانی
- ۸ - درباره سازمانهای نوده ای م.ل.
- ۹ - شعارها و مسائلی تاکتیکی
- ۱۰ - جنبش کارگری و وظایف مادرشال آن و ...

امپریالیسم آمریکا
باز هم در فکر
کودناست

صفحه ۲

جنبش کارگری در لهستان و انعکاس
آن در نیروهای سیاسی ایران

● نگاهی به موضوعی رویزونیسمها و نیروهای کمونیست
در برخورد به حوادث اخیر لهستان

صفحه ۱۴

اخباری از کردستان،
سرزمین حماسه ها

صفحه ۵

کانون
شوراهای اسلامی
پلی تکنیک
و ابشناسیم

صفحه ۳

هشدار نسبت به
یک فرورنا فرجام
در تبریز

صفحه ۴

در صفحات دیگر این شماره:

- معاهده بارفاخا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون شناس با آیت الله خمینی در نجف طی ۲۹ تا ۵۳ (۲) صفحه ۱۰
- نگاهی به مناخره تلوزیونی مسئولین وزارت کار با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه (۲) صفحه ۱۳
- ۳۰ میلیون تومان برای امل، برای فلسطین هیچ! صفحه ۱۶
- خاطرات يك سرباز (۲) صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

امپریالیسم آمریکا با زهم در فکر کودتاست

(چهار نظر نکت و منافع اقتصادی و چهار نظر موقعیت سیاسی استراتژیک آن) و نیز تا شریک مهم و تعیین کننده ای که ایران در مناسبات امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی و ژاپنی اش با سوسیال امپریالیسم شوروی میگذارد، کودتای شکست خورده تیرماه آخرین کودتای نسل و نیروهای کمونیستی و انقلابی و تمام می زحمت - کتان و طبقه کارگر با بنیاد اما دگی لازم را کسب کنند تا در برابر کودتای امپریالیسم آمریکا در ایران (که احتمال آن وجود دارد) به مقابله برخیزند. مخصوصاً آنکه سرکوب فاشیستی زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی و در یک کلام سرکوب انقلاب هدف اصلی و اساسی امپریالیسم آمریکا از آنجا مگودتای می باشد، و اگر در این راه رژیم جمهوری اسلامی هم مورد تهاجم واقع میشود، همانطور که قبلاً گفتیم، بها طرایب است که رژیم مزیورفا قوتوانائی لازم برای سرکوب جنبش اعتلای فتنه خلق و مبارزاتی نظام استعمارگرا نه سوما بهداری وابسته با آمریکا میباشد. البته سرگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران، از نظر آمریکا، الزاماً بمعنی جاگزینی آن با یک رژیم نظامی با غیر نظامی آشکارا عامل آمریکا نیست، بلکه این رژیم می توانهد حتی ظاهری "ملی" داشته باشد، اما آنچه که مسلم است این است که رژیم کنونی با ترکیب فعلی، مورد دلخواه امپریالیسم آمریکا نیست و آمریکا خواهان یک قدرت متمرکز بورژوازی در قدرت سیاسی است. در مقابل مسئله کودتای احتمالی امپریالیسم آمریکا در ایران، عکس العمل های گوناگونی از جانب نیروهای مختلف بروز خواهد کرد: - (۱) بورژوازی (با ستانی بخشی از بورژوازی تجاری با زار) و نیز بخشی از خرده بورژوازی مرفه سنتی از کودتا جانبداری خواهند کرد. - (۲) خرده بورژوازی مرفه سنتی همراه با بخشی از بورژوازی تجاری با زار، از موضع دفاع از ارتجاع حاکم در ایران در مقابل کودتای امپریالیستی جبهه خواهد گرفت. - (۳) طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و در پیشاپیش آنها، سازمانهای سیاسی طرفدار آنها، از موضع دفاع از انقلاب و منافع خلق به مقابله با کودتای امپریالیستی اقدام خواهند نمود.

در رابطه با کودتای احتمالی امپریالیسم آمریکا در ایران، دیدگاهها و برخوردهای نیروهای سیاسی موجود در جامعه، بطور عمده به سه نوع تقسیم می شود:

۱- دیدگاه اول یک نگرش کلاسیک روانس و انحرافی است که خطر کودتای امپریالیستی را نادیده میگرد و تنها رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن روبروی و با لفظ بیولتا را و زحمتکشان میبیند. این دیدگاهها تحریف و نقیصات و با کتان کسردن نقش امپریالیسم و عوامل مستقیمش در ایران به بقیه در صفحه ۷

رژیم تشییت میشود و نظام سرمایه داری وابسته که دچار ضربات سنگینی در جریان قیام خنده بود و سوا میان بدودر عین حال خرده بورژوازی مرفه شریک در قدرت تضعیف میگردد و توده های خلق و نیروهای انقلابی و کمونیست سرکوب میشوند و جای پای امپریالیسم آمریکا سرجون گذشته که ملامت محکم میگردد. اما رتدا و عتلائی جنبش خلق مانع از آن شده که محاسبات امپریالیسم آمریکا درست از آب در بیاید. آمریکا به وضوح نتوانی و عجز رژیم را در سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست، کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری و خلقها میدید و روز به روز بر هراسش از قدرت گرفتن جنبش خلق بیشتر میشود. این امر مهم ترین مسئله ای است که آمریکا در عمارت دلتا در نظر میگیرد. زیرا رتدای نیروهای انقلابی و جنبش خلق و قدرت گیری آنها، خطر افتادن در جدی منافع آمریکا و دیگر امپریالیست ها را نیز نوبد میدهد. سبب آنکه در این جنبش، طبقه کارگر از کیفیت و کمیت قابل توجه و تعیین کننده ای برخوردار باشد. آمریکا، همچنین، با تضعیف امید خویش در هبست حاکمه، یعنی "لیبرالها" تیزر و پروبودر مقابل مژده میگردد که بورژوازی جاری با زار و خرده بورژوازی مرفه سنتی را شکست میدهد. این روند یعنی روند رتدای مبارزات خلق و نیروهای کمونیست و انقلابی، تضعیف رژیم بطور عام و "لیبرالها" بطور خاص، آمریکا را بر آن داشت که در محاسبات خود تجدید نظر کند. بدین ترتیب، امپریالیسم آمریکا ضمن حفظ سیاست عمومی خویش در قبال ایران، یعنی حمایت از رژیم در برابر خلق و پشتیبانی از "لیبرالها" در مقابل خرده بورژوازی مرفه سنتی، برای عوامل مستقیم خود نیز که اکنون بدلیل سیاست و عملگردهای رژیم جمهوری اسلامی از پاهای سست و وسیعی (و در قبال سیاست زمان قیام) برخوردار شده بودند، حساب تا زه ای باز کرد و بدینسان، امر کودتا را نیز در محاسبات خود با ایران وارد نمود. با گذشت زمان و رشد جنبش و مژده ضعف رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب خلق و مبارزاتی نظام سرمایه داری وابسته، امپریالیسم آمریکا، مسئله کودتا را مورد توجه بیشتری قرار داد. چرا که بروشنی میدید که جنبش به رژیم جمهوری اسلامی بپیوسته است. این رژیم علیرغم خواستش نتوان از سرکوب سازمان یافته خلق و رژیم نظام سرمایه داری وابسته میباشد. "لیبرالها" ضعیف هستند و خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی تجاری بازار هم وجود سمیت و بی زحمتی خاص خود در سرکوب خلق، که نمونه هایش را در مقابل بانبروهای انقلابی و کمونیست، کارگران و زحمتکشان و بویژه خلقها و خصوصاً خلق کرده ایم، قادر با بقای جنبش نقش نیستند. با نتیجه گیری و جمع بندی از جنبش ماسللی است که ما می بینیم امپریالیسم آمریکا کودتای اخیر را توسط عوامل مستقیم خود در ایران برنامهریزی میکند تا نظم مورد دلخواه خویش را در ایران برپا سازد. بدین لحاظ، و بلحاظ اهمیت حیاتی ایران برای امپریالیسم آمریکا و امپریالیست های غربی و ژاپنی

اکنون، فریب دوزان از قیام شکوهمند بنهم ماه ۵۷ و همین مدت از عمر حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی میگذرد، با ابتغال هنوز این رژیم موفق نشده است از یک استقرار و ثبات قابل اتکا بهره مند شود. در حال حاضر، با توجه به رتدای جنبش انقلابی در جامعه، روز به روز جنبه انقلاب، مشتمل بر کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری سوی صف بندی مستقل خویش گام بر میدارند. جنبه انقلاب از یک موضع انقلابی مخالف جمهوری اسلامی و خواهان برقراری یک نظام نوین مبتنی بر دگرگونی توده ای و قطع سلطه امپریالیستی و ناپسودی سرمایه داری وابسته است. البته هم اکنون، بخش مهمی از نیروهای انقلاب، بدلیل توهون آگاهی شان نسبت به ماهیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی بدنیال آن رتدای این دنیا که روی زبا بدست نخواهد احاطه کند. در مقابل جنبه انقلاب، جنبه ضد انقلاب قرار دارد که کل بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی در آن جای دارند. جنبه ضد انقلاب خود به بخش تقسیم میشود، بخش اول که ما می بینیم بر رژیم جمهوری مژده و تکیه گاه اصلی آن است، یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی تجاری با زار و بخش دوم که از موضع ارتجاعی مخالف این رژیم است و خواهان استقرار رژیمی کمابیش مشابیه با نظام شاهنشاهی است که همان بورژوازی وابسته ایران و لیبرالها میباشند. چشم میدشان را به امپریالیسم آمریکا دوخته اند تا بلکه بتوانند رژیم دلخواهشان را در ایران بر سر کار آورند.

میدانیم که در بنهم ماه ۵۷ علیرغم کوششهای آمریکا و بورژوازی کمپرا دور از یک طرف و بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی از طرف دیگر، برای سازش و حفظ نظام سرمایه داری وابسته از ضربات خلق بدلیل قیام توده ها این سازش نه در این سطح بلکه در مدار دیگری صورت گرفت. بدین معنی که پس از قیام، بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی از موضع برتری نسبت به امپریالیسم قبل از قیام برخوردار شدند و در جنبش حاکمی با آمریکا و بورژوازی کمپرا دور که از قیام مژده دیده بودند به موازات سازش پرداختند. این میان، این بورژوازی متوسط بود که رهبری خرده بورژوازی مرفه سنتی را در این سازش و معاشات با امپریالیسم برعهده داشت. و این خرده بورژوازی مرفه سنتی بود که با طیب خاطر بدنیال بورژوازی متوسط حرکت میکرد، اما تا شرات قیام هم موضع آمریکا و بورژوازی کمپرا دور و نیز بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی مانع از آن نشده که امپریالیسم آمریکا مناسبات خود را با حکومت جدید ایران بر پایه زور و قهر قرار دهد. و در واقع با توجه به ماهیت رژیم حاکم لزومی بدین امر نمیباشد. بنا بر این، از همان فردای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی، آمریکا سعی خود را بر این قرار داد که در دوران حکومت از بورژوازی "لیبرال" در مقابل خرده بورژوازی مرفه سنتی حمایت کند و در سطح جامعه از کل رژیم جمهوری اسلامی در مقابل نیروهای انقلابی و زحمتکشان دفاع نماید و این رژیم را در سرکوب آنها با ری دهد. به همین دلیل است که مدت کوتاهی پس از قیام مشاهده میکنیم که امپریالیسم آمریکا مقدار ۲/۵ میلیارد دلار سلاح که قبلاً در زمان شاه برای آن پرداخت شده بود، تحویل دولت با زرگان میدهد. تحویل آمریکا بن بود که با جنبش سیاسی "لیبرالها" تقویت میشوند،

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا میکردند، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و رویزیونیستها از او بیدریغ حمایت میکردند

جنبش کارگری



خبرهای کوتاه کارگری

کارخانه کف کار-

کارگران مبارز کف کار، سه تن از اعضای انجمن اسلامی را از کارخانه بیرون انداختند.

بدنبال اخراج ۶ تن از کارگران مبارز کف کار رودستگیری ۲ تن از آنها، اعلامیه‌ای از طرف انجمن اسلامی کارخانه منتشر و در آن گفته می‌شود که کارگران کف کار، در فرسایش انقلابی را از کارخانه بیرون کردند و از آن پس تولیدیالاً رفته است. با پخش این اعلامیه خشم کارگران کف کار برافروخته شده و سه تن از اعضای انجمن اسلامی را از کارخانه بیرون می‌اندازند و اعلام می‌کنند که انجمن اسلامی نمی‌خواهد!

کارگاه دوزنگی قاف جام-

کارگران مبارز قاف جام، کارفرمای خود را از کارگاه گرفتند

بدنبال چندین ماه مبارزه کارگران دوزنگی قاف جام واقع در شمیران، موفقاً کارفرمای زالو- صفت که متوجه شده بود، کارگران در خلال مبارزات خود بیش از پیش آگاه شده اند و پیوسته از خواسته‌های اولیه و برحق خود نمیگذرند و تصمیم می‌گیرند که کارگاه را ببندند و این روند بگرمواد اولیه (پارچه) نمی‌خورد و می‌کوشند تولیدات کارگاه را خارج نما بدویس آنرا تعطیل کنند کارگران که متوجه حیل کارفرما شده بودند در خلال چند ماه مبارزه شان از وزارت کار نیز (جراخ) یکی از نمایندگان نشان چیزی عایدشان نشده بود، روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ وقتی کارفرما برای بردن تولیدات کارگاه مراجعه می‌کنند بی‌علام می‌کنند که تا زمانیکه تکلیف مواد اولیه روشن نشود حق ندادار کارگاه بیرون برود. کارفرما تا ساعت ۴/۵ آن روز تا گزیردر کارگاه می‌ماند و عمر یکی از عواملش از بیرون به کلانتری خبر میدهد. بدنبال این تلفن ماموران کلانتری به کارگاه آمده و پس از پراخ شدن به کارگران کارفرما را با خود می‌برند. کارگران به عنوان اعتراض به کلانتری مراجعه می‌کنند، اما در آنجا با رد دیگر پلیس را پشت سر کار فرما و رودرویی خود می‌بینند. آنها بسا تصمیم داده‌اند مبارزه کلانتری را ترک می‌کنند.

کارخانه سپید رود-

بازد بگر کارگری زحمتکش قربانی منافع کثیف سرمایه داران شد. کارخانه سپیدرود- روز شنبه ۵۹/۵/۱۸ در شرکت سپیدرود کارگری بنا می‌برویز بسینه دستگا ه کمپا بسن خورد شده با وجود تلاش دوستانش برای نجات وی دستگا ه جسد شده و او را تحویل داد. علت این امر آن بود که قبلاً تعدادی را بنده که روی کمپا بسن کار کرده و مهارت داشتند. با به یک گرفته و خواهان امانت دستزد می- شوند. کارفرما ابتدا با روزی ۴ تومان امانت حقوقی موافقت می‌کند اما پس از یکماه آن را قطع می‌نماید و در مقابل اعتراض را بنندگان مذکور آنها را به دستم- بقیه در صفحه ۴

کانون شوراهای اسلامی پلی تکنیک را بشناسیم

کانون شوراهای اسلامی (پلی تکنیک) یکی از تشکیلات زرد کارگری است که وابسته به جناح بنی صدر می باشد. این کانون در کرسیهای زیادی با کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات (خانه کارگر) که وابسته به حزب جمهوری اسلامی است دارد. هر دو کانون سعی میکنند با بدست گرفتن رهبری مبارزات کارگران، گذشته از به اجرا و سازش کشیدن آن، از آن در جهت خواسته‌های خود استفاده کنند. این است که انشای هر دو تشکیلات مذکور ضرورت مبرم دارد. در جلسه روز چهارشنبه ۵۹/۵/۱۵ کانون شوراهای اسلامی (پلی تکنیک) که در کارخانه تولید موتور تشکیل شده بود، گردانندگان این کانون اعلام کردند:

صبح روز دوشنبه (۱۳/۵/۵۹) جلسه ای در وزارت کار با شرکت مدیران کارخانه‌های دولتی و خصوصی در حضور وزیر کار تشکیل شده بود که پس از بحثهای طولانی در مورد زیربنا توافق رسیدند:

- ۱- مرخصی سالانه کارگران نباید از ۲۲ روز بیشتر باشد.
- ۲- ساعت کار کارگران نباید از ۴۴ ساعت در هفته کمتر باشد.
- ۳- افزایش دستمزد کارگران به پیوسته نباید از مقدار تعیین شده توسط وزارت کار بیشتر باشد.
- ۴- بندها زمانه فرمان رستورانها با بددر کارخانه‌ها برچیده شود و دیگر کارگاهها را به کارگران داده نشود و ساعت کاریکسر باشد.
- ۵- شوراهای جدید بر اساس آئیننامه شوراهای (ماده شورای انقلاب) تشکیل شود.
- ۶- تمام کارخانه‌ها موظفند ۵٪ پرسنل خود را از طریق وزارت کار استخدام نمایند.

۷- ...

اینکه کانون شوراهای اسلامی (پلی تکنیک) به اصطلاح وزارت کار را افشا میکند بخاطر این است که میخواهد در مقابل موج جنبش و جگر بندگی کارگران خود را بیشتر و مبارز تر جلوه دهد تا تا بدینوا ندر آن سوار شود و از آن در جهت خواسته‌های خود استفاده نماید.

جالب اینجاست که در همان جلسه، بدنبال اظهارات گردانندگان کانون در باره مواردی که مبین وزیر کار و مدیران کارخانه‌ها توافق شده است، کارگران به شدت اعتراض میکنند. در مقابل موج اعتراضات کارگران، گردانندگان کانون فریبکارانه اعلام می- کنند که: "فقط معلوم نیست موارد بالا را وزارت کار قبول کرده باشد، شاید اینها پیشنهادات مدیران باشد." همانطور که قبلاً گفتیم افشای سطوح اینها در اینجا و آنجا از موضعی انقلابی نیست. افشایگری آنها

(۸)- چند ساعت پس از این جلسه، بدعوت کانون شوراهای اسلامی پلی تکنیک، یک گرده‌های تشکیل می- شود که وزیر کار هم در آن شرکت داشته است.

کارگران مبارز شهرداری مسجد سلیمان همچنان می‌زمزند

۱۲۰۰ کارگر شهرداری که بدستور مقامات مسئول جمهوری اسلامی به بهانه نامتبدل نداشتن پول چند هفته‌ای است متناوباً اخراج شده‌اند، بدست بمقاومت زده و از دو هفته پیش در محل شهرداری به تحصن نشسته‌اند. تلاشهای مذبحانه ارتجاع برای سرزمین تحسین و شکستن مقاومت این کارگران مبارز جانشی نرسیده و مبارزه آنها برای برکت به سرکار همچنان ادامه دارد.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خبرهای...

دکتر منتقل کرده و بجای آنها تعدادی راننده تراکتور که محمی در کارکمان بنی ندا شندروی این ماشینها می گذارد که پرویز یکی از آنها بوده است . آری پرویز ، کارگر زحمتکش درس ۳۵ سالگی با همسر و ۴ فرزند فقط و فقط بخاطر طرحی و طمع سرمایه داران زالموت گناه زبردخت ۴ تومان اضافه حقوق بهراندگان منحص خودداری کرده بودند ، قربانی شد .

کارخانه بیا -

آگاهی و یکپارچگی کارگران بیا ، توطئه های هیئت پاکسازی را خنثی ساخت .

چندی پیش ، حسینی (رئیس هیات پاکسازی) بهراه ۴ ماشین با ساربرای با صلاح پاکسازی به کارخانه بیا میروند . کارگران مبارزان کارخانه او رو درپاس داران جلوگیری کرده و تنها حسینی را بجا راه میدهند . حسینی میکوشد با سخنرانی و عواقریبی کارگران را علیه یکدیگر بشوارید اما آگاهی و یکپارچگی کارگران کوشش های او را بی نتیجه میگذارد .

هشدار نسبت به يك ترور نافرجام در تبریز

در آخرین دفایقی که "پیکار" ۳ ماهه چاپ میشد ، خبری از یک ترور نافرجام در تبریز بدست ما رسید که چگونگی آن فعلا برای ما روشن نیست . اما از آنجا که ترور مذکور با احتمال زیاد یک ترور سیاسی است و با ترور رفقای شهید معصوم دالعی را دو طیب نجم الدینی (که جسد آن در جاده اهر افتاده بود) شباهت زیادی دارد آنرا درج می کنیم و قبیل از هر چیز نسبت به جان این فرد از جهت اینکه احتمال دارد رسیده با ساران و مسئولین مربوطه و او سر به نیست کنند تا جنایت برینا مهربانی شده تا آن افشا نگردد و تنها امید هم و در ضمن پیگیری و تحقیق خود را برای کشف چند و چون قضا با ادا میخواند .

حدود ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه ۵۹/۶/۱۳ کارگرانی که در جاده اهر - تبریز در یک معدن کار میکردند ، متوجه بیکری میمان خون آلود جوانی ۲۰ - ۱۸ ساله شده و با اطلاع زاندا زمری منطقه این فرد بوسیله یک کامیون کمبریسی خاور (نازنجی رنگ بشماره ۱۱۹۶۵ یا ۱۱۹۷۵ - تبریز) به او را بنام بیما رستان خمینی منتقل شده و تحت عمل جراحی مغز قرار میگردد . گلوله از ناحیه کبکجا هست چپ وارد او جلوسرا راج شده است پزشکان معالجه وی احتمال زنده ماندن او را حدود ۲۰٪ اعلام کرده اند .

از جنب پیراهن اوقیض عکسی بدست آمده که فردی بنام امیر خاوری بعنوان مسئول سپاه پاسداران با مراجعه به عکاسی مربوطه و دادن رسید رسمی ، فیلم عکس را تحویل گرفته است . با احتمال زیاد این قبض میتوانست در شنا ساشی هویت این فرد کماکیهای زیادی بشناسد . ما پس از دریافت اطلاعات تازه ای در این مورد آسرا در اختیار رخلقیهای قهرمان ایران خواهیم گذاشت .

مبارزه کارگران تراکتور سازی تبریز در اعتراض به افزایش ساعت کار ، انحلال شوراهای ، اخراج کارگران مبارز و... (قسمت دوم)

نظامی بیان کرد . عده ای از کارگران چنان به خشم آمده بودند که چندین بار سخاو سندی به افراد دهات پاکسازی که همراه میرزائی در میان آنها آمده بودند هجوم بریند ، اما توسط دیگر کارگران از این کار منع شدند .

سراجم کارگران مبارز افراد هیات پاکسازی را از میان خود بیرون انداختند و فشرده پاکسازی را به تصرف خود درآوردند و یکی از کارگران را مسئول نگهبانی آن کردند .

کارگران که تعداد آنها حدود ۲۰۰۰ نفر بود با خواندن قطعا مه خود در حالیکه فرار کردا شند بزدی شورا های قسمتی خود را تشکیل دهند تا بوضع بحرانی کارخانه رسیدگی کند تا شعار "کارگرها رزما بختت می کنیم" سرکار خود را بکنند .

کارگران در قطعا مه خود ، خواسته های شان را به صورت رسرا اعلام کردند :

- ۱ - بازگشت از اجیان مبارزان زحمتکش محمد زاده صنایعی ، نفرشی و تقی زاده صفا .
- ۲ - تشکیل شورا های واقعی با انتخابات آزاد .
- ۳ - فعالیت شورا ها در مبارزات پاکسازی کارخانه .
- ۴ - ساعت کار در هفته و در روز تعطیل ، درود دیگر کارگران مبارز تراکتور سازی تبریز بر سر و با همسازان حق طلبانه کارگران

قابل توجه ...

بغیر از صفحه ۱۶ جنش بوده ای زمان ، سیر حرکت مبارزاتی آنان ، تدوین و شوریزه کردن تحاربات و دست یابی به رهنمودهای منحص برای پیشبرد این مبارزه " کمیته زمان " سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در حد است اخبار ، اسناد ، عکسها ، ... و دیگر مطالب مربوط به فعالیت مبارزاتی زمان زحمتکش و آگاه را گردآوری نمائید . بنا بر این از کلیه رفقای سازمانی و هوادار ، کلیه تیپوهای مبارز و انقلابی ، زمان زحمتکش و آگاه میخواهیم که مطالب زیر را برای ما ارسال دارند :

- ۱ - خبر و گزارش و عکس و ... از مبارزات خود ای زمان زحمتکش در مناطق و محلاتی که در آن زندگی میکنند و با آنها فعالیت مبارزاتی دارند .
- ۲ - نام و بویوگرافی و عکس زمانی را که در هر شهر روستا و محله ای در جریان مبارزات خود ای و قیام بیمن ماه و یا قبل و بعد از آن در جریان مبارزه شهادت رسیده اند .
- ۳ - هرگونه خبر ، سند و یا اطلاعاتی از مبارزات زمان ، در سابق یا قبل که بتواند سیر تاریخی مبارزات خود ای زمان را بیان دهد .
- ۴ - ...

کلیه خبرها ، اسناد ، بنام و بویوگرافی را که می فرستید ما " کمیته زمان " شهران را هر طریق گنجه میخواندیم تا رسا بنید .

ما میسید پیروزی سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر " کمیته زمان " تهران

در شماره قبیل بیکار که کمیته کارگران مبارز تراکتور سازی تبریز روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۱ در اعتراض به افزایش ساعت کار ، انحلال شوراها ، ... و اخراج کارگران مبارز دست از کار کشیده و با اجتماع در سانس صبح ، ادا زاری این کارخانه و سپس راهیما شئی در تیرو اجتماع در میدان قیام ، خواسته های خود را در حضور نقوی مدرس با مل کارخانه مطرح کرده و روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۵ را ساری گرفتند و با جمع تعیین کردند .

همچنین کمیته اجتماع روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۵ کارگران بخت کارکنانهای هواداران حزب ننوده و همدلی هواداران فدائیان (اکسرت) با آنها تشکیل شد و روز یکشنبه ۵۹/۵/۲۶ تا سه شنبه ۵۹/۵/۲۷ کارگران مبارز به عنوان اخراجی در کارخانه تن ارمنا صربانی و وابسته به رژیم مزدورنا هتوا گرفتند . در زیر قسمت بعدی این گزارش را ملاحظه میکنید :

کارگران تراکتور سازی که صایعی ، محمد زاده و صفا بیکار بیکر مبارزانی را با راه در مبارزات نشان در سانس خود دیده بودند را شند در اخراج آنها به عنوان مدافعان بخت بر آفته ندانند .

کارگران مبارز و آگاه به خصوص از قسمت ریختهگری صبح روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۷ جلسه ای تشکیل داده و پس از بررسی و مسوولیت بیکدیگر تصمیم به حرکت دسته جمعی گرفتند . ساعت ۹ صبح از قسمت ریختهگری حرکت آغاز نمودند و پس از خروج کارگران مبارز دیگر قسمتها دسته دسته آنها می پیوستند . صوف را همسان بهیر قسمت که میرسد تا کت زدن با سوب مورد استقبال قرار میگرفت . کارگران با ردیکرنا نند روزهای پیش از این تا مدتها همسنگی را احساس میکردند . نظا هر گنجد - کان بن زرسدن به میدان قیام به نا خشان ادارای رفتند . جمعیت انبوهی گرد آمده بود . بعد از قیام این اولین باری بود که جنش جمعی از کارگران این کارخانه با هم اجتماع میکردند . دستها نشان را به هم گره کرده بودند و پایی کوبان به سرتگی شعار میدادند که ترجمه آن چنین است :

(همه کارگران با یکدیگر شوند ، شوراها باید تشکیل شوند ، آمریکا با دنیا بود کرد ، متحد شویم با کارگران مبارز بر گردند .)

کارگران با شور و شوق به میدان قیام بر میگرددند و از آنجا به طرف ساختمان اداری میروند . در این ساختمان کارگران با مشورت یکدیگر قطعا مه خود را تهیه کرده و آنجا امیررانی رئیس هیات پاکسازی میخواهند که برای پاسخگویی به میان آنها بناید . پس از آمدن میرزائی کارگران دستها نشانای هیئت پاکسازی میزنند . یکی از آنها از میان صفوف منتشل کارگران میگوید :

" زمانیکه محمد زاده ، صنایعی ها و نفرشی ها سینه خود را در مقابل شوب و ناک و ملل سل سیر کرده بودند شما ها کجا بودید ؟ ما کدام مبارزانی صمد انقلابیند ؟ "

آنجا ه کارگر دیگری گوشه ای از مفا و شنبای محدراده را در زیر شنگجه های رژیم مزدورنا در دوران حکومت

باتمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!



خلق ها و مسئله ملی

با چشم باز در افق خونین کردستان



خاطرات يك سرباز (۲)

در شاره قبل پیکار و در قسمت اول خاطرات یک سرباز از زبیده جنگ کردستان خواندید که از یک ستون شمشیرگری که برای جنگ به کردستان اعزام شده بودند تنها دو سرباز نمانده با دگان با زکشت هم - چنین خواندید که بسیاری از آنها که به کردستان اعزام می‌شوند تا در جنگ برادرکنی شرکت جویند از همان ابتدا و با در اولین برخورد با خلق دلاور کرد به سیه‌بودگی هدفی که بسوی آن برده می‌شوند بی‌میرند. آنها درمی یابند که به جنگ با خلق قهرمانی اعزام شده اند که برای بدست آوردن خواستهای عادلانه و برحق خود، جان برکف به مبارزه بر سر خاسته است.

در این شماره قسمت دوم این خاطرات را ملاحظه میکنید.

در تدارک پورش به کردستان

چهارشنبه ۲۰ فروردین
پنج شنبه ۲۱ فروردین
جمعه ۲۲ فروردین

در این سه روز اتفاق خاصی روی نداد. جز آنکه روز چهارشنبه با یک جوان سنجی که دیلمه بود آشنا شدم. وقتی به او گفتم که برای جنگ به کردستان می‌روم، نگاهش را طور غریبی به من دوخت و پرسید: حالا چه می‌کنی؟ گفتم: تنها بیستمین سربازم که به پیش می‌آورد، بتلخی خندید و گفت: معلوم است که شما بی‌طبیعت با ایداز همین حالا فکر کردو... تا که گمان حرفش را نیمه‌کاره گذاشت و در حالی که با چشمش بر فروروش به من مینگریست، با لحن ملتهب به یکبار پرسید: آبا هرگز یک پیشمرگ دیده‌ای؟... آستن را صدا کردند و ایودن آنکه منتظر جواب من نبود از من دورند. دیگر او را ندیدم. اما فروروش چنان و التهاب صدایش هنوز با من است.

روز جمعه برای گردش به باغهای اطراف شهر رفتیم. با دوستان اهل سنج آشنا شدم که چهره‌های شیره‌دار زرنج

داده‌شده که از با دگان بیرون برویم. با دگان در جنب و جوش خاصی بر سر می‌برد. برای جنگ آماده می‌شوند. ما شین - ها را به صف می‌کردند. کیسه‌های شن بر می‌کردند، ولی همه چیز توخالی بود.

★ ★ ★

سه شنبه ۲۶ فروردین

امروز از صبح برای دیدن تیمار (مردوم) خزایی (معاونت نیرو) آماده می‌شویم. در ساعت ۱۱ صبح با تمام تجهیزات به خط شدم و در میدان صیگا منتظر ایستادیم. فرمانده تیپ سخنرا نی را آغاز کرد. همه در سکوت کامل گوش می‌کردند و بنحو مسخره‌ای متناقض حرف می‌زد. از طرفی اصرار داشت به ما تفهیم کند که به یک مأموریت عادی می‌رویم و از سوی دیگر می‌گفت که: با ایدوستان جمع باشد که به یک منطقه جنگی می‌رویم... سخت اصرار داشت به ما تلقین کند که برای برقراری امنیت بیرونی، لحنش هم مثل حرفهای پیش ساختگی بود و بیرون دروغ میداد.

بعد از فرمانده تیپ نوبت به معاونت نیرو رسید تا سخنرا نی کند. این شخصی سعی داشت ما را تشویق کند؛ شامفرزندان من (!) از بهترین سربازان انتخاب شده‌اید، برای ما موریته بزرگ (!) و به این ترتیب فرمانده تیپ را که اصرار داشت بگوید ما موریته "عادی" می‌رویم (لوا! که ارتش برای اولین بار در منطقه اجرا میکند، شما با ستونسی مرکب از دهها کامیون، بطول ۱۶ کیلومتر حرکت میکنید.

(سخت ما میل بود با حرفهایش به ما احساس رزمی ببخشند!)، نکاواریان و گردان - های کامل پیاپی ده و توپخانه همراهمسا خواهد بود... در اینجا گوشتی از خواب بریده‌ها شنا گمان حرفش را پس گرفت: شما فقط برای تشویق یک لشکر که در بیانه مستقر است می‌روید، نه برای چیز دیگر. (با این همه تجهیزات!) و با همان لحن ادامه داد: آنها همه برای ما هستند، اگر بیست آنها کسی هست که با ما دشمنی دارد می‌جنگد، عنصر خارجی است. و بدون آنکه متوجه باشد که چگونه پشت سر هم، خود حرفهای قبلی اش را نفی میکند، با بی - نرمی یک دروغگوی کم حافظه گفت: اگر در شهر چه ها (!) به شما سنگ برتاب کردند و سوزاندند! فقط حق جواب دادن به گلوله‌ها را دارید، بدینگونه او لغت مردم را بروشنی تصویر می‌کرد و پاک فراموش کرده بود که چند لحظه پیش می - گفت: تنها چند عنصر خارجی دشمن ما هستند. به لباسش نگاه کردم و باخاطر آوردم که اینها در زمان شاه و در ارتش آمریکا شی

وقاحت و دروغوایی را خوب آموخته اند. بقیه در صفحه ۶

مزدوران رژیم در کمین پیشمرگان دمکرات، کومله و پیکار و سقوط يك هلیکوپتر

کامباران ۵۹/۶/۱

ستونی (۱) که از تاریخ ۵۹/۵/۳۱ به منظور "پاکسازی" حرکت کرده بود، شب در نزدیکی روستای "ماویان" مستقر می‌شود و در تاریخ ۵۹/۶/۱ دوباره حرکت کرده و در ابتدای مسیر خود روستاهای "ماویان"، "کوره‌دره"، "کلاته"، "تخته‌زنگی"، "میر - سور" و "چورا نه" را وحشیانه زیر آتش خمپاره، توپ، راکت و گلوله می‌گیرد. این ستون حتی قهوه‌خانه‌های سر راه را نیز در هم می‌کوبد.

ستون مذکور در نزدیکیهای ماویان و کوره‌دره با حمله پیشمرگان قهرمان کومله و دمکرات زیر ضربات سختی قرار می‌گیرد که در نتیجه آن یک تانک منهدم و ۲ نفر بی‌توکی ریبوی ارتش با آرمی، چی منهدم می‌گردد. همچنین تعداد زیادی از جا شها، با ساداران و عناصر رستنی کشته و زخمی می‌شوند.

از صبح این روز هلی کوبترهای ارتش جمهوری اسلامی تمام منطقه را می - کوبند. در ضمن درگیری مذکور ایستادگی نیز کمک گرفته می‌شود. پس از درگیری، ستون پیشروی کرده و بطرف روستای گشگی حرکت میکند. در این منطقه، پیشمرگه - های "پیکار" (دسته شهید "میر" و دسته شهید "مسعود") که برای یاری رساندن به پیشمرگان کومله و دمکرات رفته و ولسی نتوانسته بودند خودشان را به آستان برسانند در نزدیکی روستای "گشگی" (به علت مستقر شدن تانکها) در محاصره قرار می‌گیرند و از ساعت ۱ بعد از ظهر درگیری آغاز می‌شود.

پیشمرگان پیکار با مقاومت قهرمانانه خود که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از جا شها و با ساداران می‌شود، طبعاً محاصره شکسته و عقب نشینی میکنند. بهنگام عقب نشینی، یک هلی کوبتر بگری جمهوری اسلامی که خیره سرانه خود را بر زمین نزدیک کرده بود تا فرزندانش دلاور خلق را به یکبار گلوله بزند، خود از یکبار گلوله - پیشمرگان پیکار گردانانمانند و در نزدیکی

(۱) - ستون مذکور شامل ۱۵ تانک ۹۰ ریسو، ۴۰ جیب، ۲۰ اتومبیل سیمرغ بود که ۳ هلی کوبتر و ۲۰ فانوم نیز آنرا پشتیبانی میکردند.

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

اخباری از کردستان، سرزمین حماسه‌ها

● کامیاران ۵۹/۵/۲۴
مزدوران رژیم زبحرملات
بیشمرگان قهرمان
در این روز، یک ما شین رنجور و
حامل تعدادی ارتشی و جاش و پاسبان در
جاده کامیاران سنندج در نزدیکی
پاگاه "گا و تان" در کمین بیشمرگان
قهرمان کومله افتاد. در اثر کربان
بیشمرگان ما شین از کار افتاده و حدود ۲
نفر از مزدوران رژیم کشته شدند. پیش-
مرگان قهرمان بدون تلفات به پایگاه
خود بازگشتند.

● کامیاران ۵۹/۵/۲۶
۴ ساعت نبرد با شکوه و شکست دشمن
در این تاریخ ۲ کامیون ارتشی
و یک ما شین سیمرغ حامل جاش و پاسبان
و تکاور ارتشی که از منطقه روانسر عازم کامیاران
بودند، در منطقه "الک" (حوالی کامیاران)
زبحرملات شجاعانه بیشمرگان جانبا ز
کومله و دمکرات قرا رگرفتند. این در-
گیری از ساعت ۹ شب آغاز شد و تا ساعت
۱۱ با مدام ادامه داشت در طول درگیری
دو تا تک نیز برای کمک به مزدوران ضد-
خلق به محل رسیدند. طی این درگیری
بیشمرگان قهرمان با استفاده از سلاح
سبک و بارزکا و آربی جی تلفات فراوانی
به نیروهای دشمن وارد کردند. طبق
گفته‌ها هالی منطقه ۲۵ الی ۳۰ نفر از
مزدوران کشته شدند. هیچگونه آسیبی به
بیشمرگان وارد نشد و آنها توانستند یک
خمپاره ۶۰، یک قبضه تیربار ۳-۳، یک
قمبه ۳ و چند قبضه سلاح کمربنداری
مهمات و یک ما شین سیمرغ از دشمن به
غنیمت گیرند.

● کامیاران ۵۹/۵/۲۷
ریوی ارتشی در کمین
بیشمرگان قهرمان پیکار
در ساعت ۷ صبح این روز یک ریوی
ارتشی در جاده کامیاران - سنندج در
نزدیکی تونل، به کمین بیشمرگان
قهرمان سازمان پیکار افتاد و مورد
حمله شجاعانه بیشمرگان پیکار قرار
گرفت. بیشمرگان سازمان ضمن وارد
آوردن تلفاتی بر سر نشینان ما شین
مذکور، عقب نشینی کرده و سالم به
پایگاه خود برگشتند.

★ ★ ★

خارج شهر، فرودگاه سنندج، بازگشت
آری، ارتش ناندان مسلح در مقابل
خلق با رای مقاومت نداشت. چهره‌های
مضم و برافروخته مردم زخم‌خیز کرد،
بیش چشم می‌آمد، قلم‌پرا زنادی بود.
به فرودگاه آمدیم و مستقر شدیم
سربازان همه را زنی بودند، حاکم
نشدند و بی‌شوری کنند. سربازان میگفتند:
اگر بخوانیم با سون برویم کشته‌خواهیم
شد... کسانکه به ما می‌گویند بروید،
خودشان جلوسیا فتند، بهشتی و پنی مدر
با بند جلو، نه سربازان!
سربازان گروه گروه جمع شده بودند
و اعتراضات خود را اعلام میکردند. می-
گفتند با وسیله‌های بی‌رویم، آنها
نمی‌خواهند جلوی مردم بایستند.
تیمار ما و نت نیر و جله‌گرا نه تلاتی می
- کرد که سربازان را آرام کند و آنها را
بر علیه کردها برانگیزد. اما سربازان هر
چه بیشتر مخالفت میکردند و زمزمه‌های
نرتن رفت‌رفته‌ها می‌گرفتند.



ادامه دارد

● کامیاران ۵۹/۵/۲۷
فرهنگیان و دانش آموزان
سراسر ایران!
جمعیت مستقل معلمان مبارز کرد-
ستان ایران برای دفاع از حقوق
فرهنگیان از تمامی معلمان و دانش-
آموزان سراسر ایران انتظار دارد که
مدای اعتراض فرهنگیان و دانش‌آموزان
کردستان را بگوش همگان برسانند و در
بقیه در صفحه ۷

برهبری طبقه کارگر سلطه امپریالیزم را
تا بودخواهد کرد
و سهرگویی جسم اس شاعر بود. در
آن لحظات ما نا هدمنظره غریبی ندیم که
هرگز از خاطر مچونخواهدند. مردم که از
آمدن سون با چیرنده بودند در خیابان
اصلی، راه مارا سد کردند. هیچ حملاتی قادر
نخواهد بود با صحنه را توصیف کند. زن
و مرد و کودک، بپرو جوان، سینه به سینه ایستاده
بودند. سدی از عشق و ایمان در مقابل خویش
داشتیم. سینه‌خیابان‌گویی همه چشم‌بود با
نگاهی سوزان از عشق‌گویی همه منتسبی
بود که شده از ایمان، گویی همه‌ها می‌بود
که با مدای رعد آسمانی خورشید:
مرگ بر آمریکا". "مرگ بر ارتش
آمریکائی". "مرگ بر قهرمانان مزدور
ارتش". مردم مضم بودند. همگام با هم
قدرتشان مدها بر آورده بود. انسان که
فرمانده سنی را نیز بوجت انداخت. او
که از اسامت خلق نخت هرا مان شده
بود، با دستپاچی دستور برگشت سون را
داد. سون با عجله و خوشحالی به سوی



ادامه دارد

● کامیاران ۵۹/۵/۲۷
فرهنگیان و دانش آموزان
سراسر ایران!
جمعیت مستقل معلمان مبارز کرد-
ستان ایران برای دفاع از حقوق
فرهنگیان از تمامی معلمان و دانش-
آموزان سراسر ایران انتظار دارد که
مدای اعتراض فرهنگیان و دانش‌آموزان
کردستان را بگوش همگان برسانند و در
بقیه در صفحه ۷

روستای گنگی سقوط کرد و خلبان آن کشته
شد. این درگیری تا نزدیک‌های شب
ادامه داشت و بیشمرگان قهرمان سالم
به پایگاه خود بازگشتند.
★ ★ ★

بقیه از صفحه ۵ با چشم...
کلمه "عصر خا رچی" در گوشه طین خاصی
داشت چهره‌های اسخواتی و پیرا زنیار
دو با غبان سنندجی در دهم جسم شدند.
بجای بیبل ملسل در دست گرفته بودند...
★ ★ ★
چهارشنبه ۱۷ فروردین
در سرگامه این روز پیرامال، تنیب ما
با تجهیزات تا کامل، از کارمانا به سوی
با نه حرکت درآمد. سون با نظلم و
اضطراب، به سوی سنندج میرفت. در سوز
استان کردستان سون متوقف شد، سا
هلویک پتروفا تنوم تنگاری رسد. سپس با
تا سون هوایی حرکت کردیم. به شهر کوچک
و عمزده مریوان رسیدیم. شهر در دست
پاسباران بود. فضای خاصی برخیا نها
حکمران بود. مردم دسته دسته در معا بر
ایستاده بودند. تلاق نگا هها یشان که بر
از کینه و نفرت بود محکم و بطور در دنا کسی
بر ما فرود می‌آمد.

از شهر خارج شدیم. به سون اطلاع
داده شد که یک گروه مسلح در ارتفاعات
مریوان دیده میشوند. به ارتفاعات
رسیدیم. همه جا از افراد مسلح پوشیده
شده بود. به کمربان قطارهای فشنگ
آویخته بود و گیوه‌های سترگ به پاداشند
به پای شین که رسیدیم جن سوزانی از شرم
مرا فرآ گرفت. سوز شرم از با هم بالا
آمدودر مغز دودیدستا دیشمرگه‌ها در آنجا
بود. دختر جوانی با چهره‌ای محکم و
مطمئن، موهای کوتاه و لب‌های متین،
با اسلحه‌ای بر شانه، جلوی در ستاد
پاسبان‌داری میداد. از چهره‌اش ایمان می-
بارید و برق نگا هتن تیزی خنجر را داشت
در اطراف جوانانی دیده میشدند که همگی
مسلح بودند. با اطمینان راه میرفتند و
چون کوه‌های کردستان استوار و دست
نبا فتنی. اینک ما روی آسان قرار
داشتیم و من به همراه ارتشی در حرکت
بودم که برای سرکوب خلقی آمده بود که
این دلاوران از دل آن برخاسته بودند.
از آنان دور شدیم. سوز سردی میوزید.
هوا بیش از حد سرد بود. اما من آتشی در
دل خود داشتم سوزان، سوزان.
به سنندج رسیدیم. شهر توده‌های
دلاور، شهر مریوان را آزدادی.
وارد شهر که قدیم بر روی پل هوایی
این شعار حرکت شده بود: "تنها خلق مسلح

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۲۲ امیرالیسم...

آما دگی وسیع بوده‌های خلق و طبقه‌ها را گرد در قبایل
کودتا احتمالی امیرالیسم آمریکا لطمه میزند و از این
روخواست‌ها را خواسته و علیرغم هر نیتی که در آن است به
آسیا با امیرالیسم آمریکا و عوامش میریزد.
۲- دیدگاه دوم، برخلاف دیدگاه اول، کاملاً به
راست می‌افتد. این دیدگاه رویزیونیستی بر ما هیبت
ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و سیاست‌ها و عملکرد -
های آن برده می‌فکند و بر این رژیم "ما هیبت
مترقی و ضد امیرالیستی" قائل می‌شود. و آمریکا را
پدیده‌ای تصویر می‌کند که در بیرون مرزهای ایران -
فعالیت دارد. همچنین با بزرگ جلوه دادن بیش از حد
خطر ذاتی آن در ایران، کلیه نیروها را به دنیا لهری
از ارتجاع حاکم فرامی‌خواند. این دیدگاه نمی‌خواهد بیان می‌تواند
درک کند که بین ضد انقلاب هم‌تفا دو جود دارد و تضاد رژیم
جمهوری اسلامی و امیرالیسم آمریکا از این مقوله
است. این دو در سرکوب خلق‌های ایران، در جلوگیری
از رشد انقلاب و در برابر زمازی سینت سرما به‌داری وابسته
منطق القول هستند. ولی چه لحاظ کیفیت پیاده کردن
این سیاست‌ها و چه بدلیل منافع خاص هر یک از
آنها، اکنون در عین جنبه مشترکشان علیه خلق در
مقابل یکدیگر نیز جنبه‌ها دارند. بنا بر این، دیدگاه
دوم که شعار دفاع از ارتجاع حاکم در ایران را در مقابل
با امیرالیسم آمریکا سر می‌دهد، در واقع بشف یک
ضد انقلاب و بر علیه ضد انقلاب دیگر عمل می‌کند و در این
میان به خلق و نیروهای انقلابی ضربه می‌زند.
تکلیف‌ها و بیشرکول چنین دیدگاه رویزیونیستی ای
حزب توده‌ها را می‌باید و پس از آن چپ‌گرای (کثرت) قرار
دارند. گذشته از این نیروهای رویزیونیست نیروهای
ناپیکری چون مجاهدین خلق هم در مقابل دیدگاهی
دارای چنین دیدگاه‌ها و انحرافی می‌باشد.

۳- دیدگاه سوم، تنها دیدگاه مابقی و انقلابی می
- باشد. این دیدگاه مبارزه با ارتجاع حاکم را از
مبارزه با امیرالیسم جدا نمی‌کند. بهمین جهت دچار
انحراف داشتن نیروی از ارتجاع حاکم نمی‌شود. چنین
دیدگاهی به نیروی طبقه کارگر و زحمتکشان تکیه می-
کند، برهبری طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک و ضد
امیرالیستی می‌بماند. معتقد است، و برای برقراری
جمهوری دموکراتیک خلق مبارزه می‌کند. بهمین جهت
می‌کوشد با بردن ایده‌های مترقی و متعالی مارکسیستی
به میان کارگران و زحمتکشان آن‌ها را متحد و متشکل و
تا پیروزی انقلاب هدایت کند. این دیدگاه - ذره‌ای
نسبت به ما هیبت ارتجاعی رژیم حاکم دچار تردید و دو
دلی نمی‌شود و تصور جانی ندارد از این رژیم را بخود راه
نمیدهد. با این حال، این واقعیت را هم کتمان نمی-
کند و چشم‌انداز خود را بر روی آن نمی‌بندد که
رژیم جمهوری اسلامی مزدور امیرالیسم آمریکا
نیمت، در حالیکه امیرالیسم آمریکا در شرایط
کشوری بغا طر سرکوب انقلاب در پی روی کسار
آوردن یک رژیم مزدور است. به همین
لحاظ، این دیدگاه، ضمن بافشاری بر روی موضع
اصولی خویش در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و افشای
که‌ها جنبه سیاست‌ها و عملکردهای ارتجاعی و ضد خلقی
آن، بی‌رونتاریا و توده‌های خلق را در مقابل اقدامات
امیرالیسم آمریکا و عوامش هدایت می‌دهد و آنها را در

بقیه از صفحه ۶ اعلام...

جهت افشای سیاست‌های ضد فرهنگی هیئت
حاکمه نسبت به فرهنگیان کردستان کوئتا باشند،

فرهنگیان مبارز کردستان!

جمعیت مستقل معلمین مبارز کردستان ایران
برای دفاع از حقوق فرهنگیان اعتقاد دارد تنها با
مقاومت دسته‌جمعی شکل یافته و حفظ وحدت انقلابی
خود می‌تواند سیاست ضد فرهنگی و فساد و تضییق هیات
حاکمه را خنثی کرده هیات حاکمه می‌خواهد از طریق فشار
وحدت مبارزاتی فرهنگیان را از بین برده و سازشکاران
و تسلیم طلبان را به خود جلب نماید، و اشخاص بینایی
و متزلزل را بصف سازشکاران سوق دهد تا با ایجاد
تکامی عمیق و از بین بردن پیوند و پیوستگی فرهنگیان
مبارزین این قشر را شامی و بشدت سرکوب نماید.
- جمعیت، مشکلات مبارزان فرهنگی خود را عمیقاً
احساس می‌کند و فشارهای مالی و اداری آنها را درمی -
یابد و اعتقاد دارد درک تنها با ایستادگی می‌تواند شرایط
تحمیلی و ضد مکرراتیک هیات حاکمه را در حال حاضر
در شهرهای کردستان (سنندج، سقز، بانه، میروان و...)
از طریق برکردن پرشتا و انجام همه‌جانبه‌ای عمل می-
شود خنثی نمود.

با این استدلال برکردن هرگونه پرشتا و انجام
مما حبه را قویاً تحریم می‌نماید. جمعیت و طبقه خود
میدانند که صدای اعتراضی حق طلبانه فرهنگیان کردستان
را بگوش هم می‌ماند خود و سازمان‌های مترقی و پیشرو
و نهادهای دمکراتیک و شخصیت‌های مبارز منظم -
پشتیبانی برسانند.

دانش آموزان مبارز کردستان!

وحدت مبارزاتی خود را مستحکم تر نماید و با
اعتراض دسته‌جمعی، اخلال آموزش و پرورش، اعدام و
اخراج و تبعید و زندانی فرهنگیان و دانش‌آموزان و
تعطیل مدارس را بشدت محکوم نماید.
هیات حاکمه می‌خواهد با تعطیل مدارس و محروم
نمودن شما از شرکت در امتحانات، طبیعی ترین حق
شما را زیر پا گذارد.

هیات حاکمه با علم به اینکه بخش وسیعی از شما
بدلیل متعددی امکان رفتن به شهرهای دیگر و شرکت
در امتحانات را ندارند و در محروم شدن شما حتمی است

جهت مقابله با چنین خطری که چه‌بما بصورت کودتا هم
پیروزی پیدا کند آماده و در حد توان و امکان خویش
متشکل می‌کند. و در صورت بروز کودتا، در
عین حفظ صف بندی مستقل خویش در
برابر رژیم جمهوری اسلامی به جنگ
با کودتای امیرالیستی می‌پردازد،
می‌کوشد زحمتکشان را هم کینه
بدلیل توهمنان در موضع دفاع از
رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند به موضع اصلی آنها و
دفاع از منافع طبقاتی شان بکشانند. بنا بر این در
چنین وضعیتی دوشور در ایران با امیرالیسم آمریکا
و عوامش مقابله می‌کنند، یکی ضد انقلابی و از با نگاه
دفاع از رژیم جمهوری اسلامی و لاجرم در چرخه روج ضد
انقلاب دیگری انقلابی و از موضع دفاع از منافع

بقیه از صفحه ۱۵ جنبش...

می‌روند. آنها روشن نمی‌سازند که این دولت‌پورز -
و اشی هستند یا خرده بورژواژی؟! زکوت رفقای رژیمند -
گان در پاسخ به سوالات فوق و نظایر آن چنین برمی -
آید که این رفقا برای رویزیونیسم هیچ با نگاه
اقتصادی - اجتماعی قائل نیستند. رژیمندگان بار
دیگر به اقتضای تزلزلات رویزیونیستی و تمکین در
مقابل سوسال امیرالیسم روس روشن نمی‌کنند که این
کدامین طبقه مسلط اجتماعی در لاهستان است که طبقه
کارگر به مبارزه بر علیه آن اقدام نموده است؟! پس
رفقا برای خلاص شدن از تنگنای تحلیل طبقاتی از
حزب و دولت بورژوا رویزیونیست حاکم در لاهستان
چنین نتیجه بدی می‌گیرند که چون "چنین حکومت‌ها
(حکومت‌های شوروی و لاهستان) کارگری نیستند پس ضد
کارگردند!!" رفقا شما با بدروشن کنید که مبارزه طبقه
کارگر لاهستان علیه کدام طبقه اجتماعی است!

می‌خواهد با یک تیر دو نشان را بزند، یعنی از یک طرف
با ایجاد دموانمی باعث محروم شدن عده‌ای از هکلاسی -
های شما بخصوص خواهرانتان شود و از طرفی دیگر با
ایجاد تکامی عمیق بین شما بدبینی و نفاق و جدائی
را در ما زند.

ما به شما توصیه می‌کنیم که فریب این توطئه‌گران
را نخورید و با اتحاد خود نقشه‌های نفاق افکنانه آنها
را نقش بر آب کنید، و شرکت در امتحانات را در شهرهای
دیگر تحریم نکنید.
جمعیت ما معتقد است که حفظ از طریق شکل دادن
بخود و ایجاد یک تشکیلات مستقل صنفی - سیاسی و بر -
قراری پیوندی ارگانیک با تشکیلات مستقل معلمین
می‌تواند یک جنبه مقاومت را در مقابل فشار و تضییقات
و فشارها و ضد فرهنگی و ضد مکرراتیک هیات حاکمه
بوجود آورد.

بر توان با وحدت و مقاومت هر چه بیشتر
فرهنگیان برای خنثی کردن توطئه‌های
ضد فرهنگی
متشکل تریا دتشکل‌های دمکراتیک فرهنگیان
برقریب و وحدت مبارزاتی خلق‌های ایران
۵۹/۵/۹

بیرونتاریا و زحمتکشان، بوجود آمدن چنین حالتی به
هیچ وجه به معنای این نیست که نیروهای انقلابی و
کمونیستی لحظه‌ای از افشای ارتجاع جمهوری اسلامی
در ایران دست بردارند. ولی این معنی را در بردارد
تا زما نیلکه از لحاظ نظامی مورد پرورش این نیرو و واقع
شده اند! آنها مورد حمله نظامی قرار دهند.

بدین ترتیب، تنها و تنها دیدگاه سوم است که یک
دیدگاه بیرونتاری است و از منافع بیرونتاریا و سایر
زحمتکشان حمایت می‌کند. چنین دیدگاهی و واقعیات
را تحریف نمی‌کند و با حرکت از واقعیات آما دگی خود
را در مقطع کشوری برای مقابله با کودتای احتمالی
امیرالیسم آمریکا کاملاً حفظ می‌کند. و در عین حال با
تمام قدرت با دیدگاه‌های انحرافی مبارزه می‌نماید!

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرال‌هاست

بقیه از صفحه ۱ دومین کنگره ...

کنگره سازمانی ما در شرایطی برگزار شد که علیرغم تمامی تلاشهای رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش توده‌ای و نوسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته، بحران انقلابی در جامعه ما همچنان تداوم یافته و بورژوازی و خرده‌بورژوازی مرفه‌نشی نتوانسته‌اند در تثبیت حاکمیت خود با اهداف مورد نظرشان برسند. این وضعیت مسائل مبرم و بسیار پراهمیت و تعیین کننده‌ای را پیش پای کمونیست‌ها قرار می‌دهد. در این میان سمت و سویی که سازمان ما جهت لحاظ ایدئولوژیک و جهت لحاظ سیاسی و تشکیلاتی اتخاذ می‌کند، دلیل موقعیت تعیین کننده‌اش در جنبش کمونیستی میهنمان، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

همین جهت ما برگزاری موفقیت آمیز کنگره سازمان و دستاوردهای آن را نه فقط یک پیروزی برای خود، بلکه موفقیتی برای جنبش کمونیستی میهنمان تلقی می‌کنیم. و همچنان که در کنگره متذکر شدیم آرزو-مندیم زیر پرچم‌ها رفتار پرولتاریای ایران و در راهی که با خون شهیدان کمونیست و انقلابی خلق سرخ رنگ گشته است، این دستاوردها، دستاوردهای که هر چند در مقایسه با عظمت راهی که در پیش داریم کوچک است، چراغی در دست ما برای پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و تمامی خلق باشد.

سازمان در نظر دارد در آستانه و بدتر، دستاورد - های کنگره و نتایج آن را بطور علنی در اختیار نیروهای کمونیست قرار دهد. ما در اینجا ما ضروری میدانیم که به مهم‌ترین موارد دستاوردهای کنگره اشاره کنیم. این موارد بطور محوری و خلاصه شرح زیر است:

۱- نقش برجسته و بارز توده‌ها در تعیین سرنوشت سازمان

در گذشته‌ها توجه به غلبه‌های چریکی برجسته کمونیستی میهنمان (تا سال ۵۷) و با توجه به اینکه ما پس از زدن چریکی و علیرغم آگاهی نسبی بر اصول و ضوابط سازماندهی حزبی مجبور بوده‌ایم دوران گذاری را برای تطبیق وضعیت سازمانی خود با اصول حزبی از سر بگذرانیم مکرری شده‌ای برای شرکت فعال توده‌های سازمانی در تعیین سرنوشت خویش تا مبنی نمی‌گردید. در این کنگره بدلیل اجرای سیستم انتخابی حزبی (بطور نسبی) که حداکثر دموکراسی را برای انتخاب توده‌های (انتخاب از پایه) بمنظور انتخاب بنمایندگان کنگره مینمی نمود، توده‌های سازمانی توانستند بیش از پیش و بطور آشکار و مبرور نشان خود را بر مبنی و مواضع موهبه بگویند.

۲- رسیدن به ارزیابی عینی از وضعیت جنبش کمونیستی جهانی و ایران و ...

غلبه رویزیونیسم خروشقی بر احزاب و سازمان - های کمونیست در دهه ۴۰ که تا به امروز منجملاب رویزیونیسم کثافت‌اندوزانه آن فربه‌نعلکی گسه ارتداد حزب کمونیست چین از مارکسیسم-لنینیسم و روی آوردن آن به تئوری ارتجاعی رویزیونیستی "جهان" برجسته کمونیستی جهانی و اردماخت، اردوگا - هوسوالیستی را شدت تضعیف ساخته و دچار

بحران و تشتت نمود. با تطبیق جنبش کمونیستی میهن ما نمیتوانست از آثار و عواقب این بحران بدورماند. پیوستن کامل حزب توده به اردوگا رویزیونیسم جهانی و تبدیل شدن آن بیک دارودسته مزدور سوسیال امپریالیسم شوروی خیانت این حزب را که با تسرک صحنه مبارزه پس از کودتای سیا و امپریالیستی ۲۸ مرداد شروع گشته بود تکمیل نمود و بدینسان آن پیوستن بخش دیگری از محافل وابسته به جنبش کمونیستی که با خراج نشینی سالیان در آن خودنمایی از قیام ۵۷ به اپورتونیسم آشکار در غلطیده بودند، به اردوگا - ه رویزیونیستی که رویزیونیستهای چینی پرچمدار آن بودند و تا شریذیری دیگر نیروهای جنبش کمونیستی که از غلبه رویزیونیسم مومن مانده بودند، همه و همه آثار نامیمون عملکرد رویزیونیسم در جنبش کمونیستی میهنمان بوده است. آخرین نشانه عملکرد رویزیونیسم همانا در غلطیدن جناح "آشوبنا" چریک‌ها، فدائیان خلق ایران به منقلب رویزیونیسم است که بنسبه خود خرده مهمی برجسته کمونیستی میهن ما وارد ساخته است. وقتی به این عوامل منفی و مخرب در صحنه جهانی



دومین کنگره سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مسائل ویژه و درونی جنبش کمونیستی میهنمان را نیز بیغزاییم، وقتی در نظر بگیریم که چگونه کمونیستها در جنبش توفنده و انقلابی خلق در سالهای اخیر از توده - ها عقب مانده، وقتی خرده کاری عظیم آنها، تشتت و پراکندگی آنها را در نظر آوریم، وقتی در نظر بگیریم که هنوز جنبش کمونیستی میهنمان نتوانسته است پیوند لازم به طبقه کارگر توده‌ها را برقرار سازد، و وقتی به این مجموعه عملکرد آنرا فاجات و گزایشات راست و چپ را اضافه کنیم، آنوقت مسائل و مشکلات جنبش کمونیستی میهنمان را که بدرستی باید آنرا بحران نامید، بحرانی که هیچیک از نیروهای جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما نمیتواند آنرا شکست آن بدورماند، در نظر خواهیم آورد.

غلبه برجسته بحرانی قبل از هر چیز نیازمند ارزیابی صحیح آن می‌باشد. با درک اهمیت این مسئله بود که در جریان تدارک کنگره بحث وسیعی برای شناخت و ارزیابی از جنبش کمونیستی و مسائل و معضلات سازمانی ما در میان تمامی اعضا و کارکنان سازمانی در گرفت. رفقای سازمانی

فرصت یافتند در باره این مسئله بحث و مبارزه ایدئولوژیک بشنوند و در مورد راه‌های مسئله - بیابند. هر چند قبل از کنگره در ارزیابی از وضعیت بحران جنبش کمونیستی ایران و انعکاس آن در سازمان، تشتت فکری و اختلاف نظرات اساسی وجود داشت ولی کنگره موفق شد با طی پروسه مبارزه بدشو - لوزیک نظرات ذهنی و انحرافی را پس زده و سه درک نسبتا روشنی از قضا با دست یابد. این امر برای ما چه بلحاظ شورویک و چه از لحاظ تشکیلاتی حائز اهمیت بسیاری است. چرا که از یکطرف ما با تکیه بر این دستاوردها بهتر خواهیم توانست علیه نظرات ذهنی و انحرافی در این زمینه در سطح جنبش کمونیستی به مبارزه برخیزیم و از جانب دیگر رسیدن به ارزیابی روشی در این زمینه وحدت سازمانی ما را بیش از پیش تقویت نموده است. تمیز دادن عوامل عینی بحران جنبش کمونیستی، از عوامل ذهنی، عوامل جهانی از عوامل میهنی و عوامل عمومی از عوامل ویژه سازمانی، همانا دستاورد بزرگی بود که کنگره بر آن دست یافت. علاوه بر این، راه‌های با تناسب مریح و روشنی در کنگره برای غلبه بر این معضل مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. چگونگی تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی، مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی، کوشش برای ایجاد روابط نزدیک، با اردوگا - هوسوالیستی و دیگر توده‌ها، پیروان راه‌های سیاسی - تشکیلاتی از جمله مواردی بودند که کنگره نسبت به آنها اتخاذ تصمیم نمود. این دستاوردها بنده ما را بیش از پیش در انجام وظایف کمونیستی میهنی و انترناسیونالیستی مان یاری خواهد رساند.

۳- در زمینه تئوری مارکسیستی - لنینیستی «سوسیال امپریالیسم شوروی»

در این زمینه کنگره موفق شد استنباط و ارزیابی خود را از سوسیال امپریالیسم، بسط داده و به دستاورد - های مهمی دست یابد. کنگره بخصوص با تکیه بر ساخت امپریالیستی جامعه شوروی با نظرات نیروهای که در این زمینه از خود تزلزل نشان میدهند، مبرور - بندی نمود. کنگره خاطر نشان ساخت که قبول تئوری مارکسیستی - لنینیستی "سوسیال امپریالیسم شوروی" یکی از معیارهای وحدت سازمان با دیگر نیروهای جنبش کمونیستی خواهد بود. علاوه بر این قبول و یا عدم قبول این تئوری انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی معیار شناخت نیروهای بیگنا از نیروهای نا بیگنا جنبش کمونیستی خواهد بود. بدین معنی که نیروهای که حزب کمونیست شوروی را مرفا رویزیونیست و این کشور را رویزیونیستی قلمداد میکنند و آنرا یک کشور سوسیال امپریالیستی نمیدانند، علیرغم اینکه از نظرها جز جنبش کمونیستی هستند ولی جزو نیروهای نا بیگنا جنبش کمونیستی میباشند و اگر هر آینه در این مورد موضع بین دو صدلی آنها سازند، دچار همان سرنوشتی خواهند شد که دیگر نیروهای متزلزل گشته‌اند کنگره بر اهمیت مبارزه ایدئولوژیک در این زمینه با نظرات و گزایشات رویزیونیستی و تروتسکیستی که ارزیابیهای انحرافی از "سوسیال امپریالیسم

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

شوروی" بدست می دهند تا کید کرده و بر اهمیت آن بعنوان یکی از محورهای اساسی مبارزه ایدئولوژیک در درون جنبش کمونیستی ایران با فشاری نمود.

۴- ارزیابی از ساخت جامعه، مرحله انقلاب و مشی و مواضع سیاسی

کنگره با انتقاد به گرایش راست موجود در این زمینه که از لحاظ شورویک از تصمیم گما تئستی تزه ای رفیق ما " در باره چا مع نیمه مستعبره - نیمه فئودال به ما مع ا بر این نشات گرفته است، توانست نظریات سازمانی را رد نمود ساخت و آرایش طبقات وانعکاس آن در سربنا مه تصحیح نماید.

۵- تصویب اساسنامه سازمانی:

کنگره موفق شد اساسنامه سازمانی را که قبلاً با تصویب کمیته مرکزی اجرا میگردید با اصلاحات و تغییرات اساسی درجهت هر چه بیشتر تریباده کردن اصول حزبی و تنظیمات در وضعیت فعلی سازمان به تصویب برساند. این مورد نیز به خود موفقیت بزرگی برای ما محسوب میگردد.

۶- تقویت وحدت ایدئولوژیک - سیاسی درون سازمانی:

دستا وردهای فوق و دیگر دستاوردهای کنگره بیش از پیش از مروجت ایدئولوژیک - سیاسی ما را تقویت کرده و باعث میگردند که سازمان با کامیابیهای استوار در راه آرمان های والای طبقه کارگر گام بردارد. این امر یعنی حصول به وحدت نوبن سر عمیقتر، خود بخود خط نظر انی بر تمامی شایعاتی که از جانب رویزونیستها و محافظ و جریب نهایی روشنگری علیه سازمان ما را من زده میباشند. شایعاتی که وحدت سازمانی ما را زیر سؤال برده و بطور مداوم در باره آن به بخش اخبار جعلی درباره "انقلاب" وارد "سوسیال امپریالیسم" وغیره دست میزد.

۷- انتشار نشریه تئوریک:

کنگره تصویب نمود که علاوه بر نشریه تبلیغی سیاسی بیکار نشریه تئوریک دیگری، که مدتها وظیفه مبارزه تئوریک و ترویجی در زمینه مسائل مبرم جنبش کمونیستی، جنبش کارگری و جنبش توده ای را بر عهده دارد، انتشار دهد و اینک ما اعلام میداریم که پس از سازماندهی لازم بودی این نشریه را منتشر خواهیم کرد.

ماید رستی میدانیم که این دستاوردها علیرغم اهمیت آن و با اینکه یک پیروزی بزرگ برای ما به شمار می آید ولی در مقابل به راهی که با بدخلقیهای ما برهبری طبقه کارگر بر میماند و در مقابل مشکلات و معطلاتی که تا رسیدن به جمهوری دمکراتیک خلق با آن روبرو هستیم، کوچک و بسیار مهم کوچک میباشد. ما درست به این دلیل که ما ضرعیتیم به قیمت خونمان در راه انقلاب دمکراتیک و فدا میبرای لیستی گام بر داریم و درست به این دلیل که ما ده هر نوع فداکاری در راه آرمان های طبقه کارگر هستیم این دستاوردهای کوچک را به هست و بیا بمری تمامی اعما و کا در هسای سازمانی، با فداکاری تمامی پیشمرکدهسای دلاور سازمان در کردستان و باری و همراهی تمامی رفقای هوادار و کمک و مساعدت تمامی دوستداران سازمان به

کمکهای مالی دریافت شده

۱۰۹۹۰	۲۲۰۰	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰	الف	۱۰۰۰۰
۱۱۰۰۰	۲۵۰۰	۸۰۰۰	۸۰۰۰	ب	۵۰۰۰
۲۸۰۰	۲۹۱۰	۲۸۰۰	۲۸۰۰	ج	۲۸۰۰
۷۰۲۰	۲۱۱۰	۲۸۰۰	۷۰۲۰	د	۲۸۰۰
۸۳۳	۱۶۰۰۰	۲۸۰۰	۸۳۳	هـ	۲۸۰۰
۱۱۰۰۰	۱۳۵۰۰	۲۸۰۰	۱۱۰۰۰	و	۲۸۰۰
۲۶۰۰	۶۰۰۰	۲۸۰۰	۲۶۰۰	ز	۲۶۰۰
۲۴۰۰	۶۳۰۰	۲۸۰۰	۲۴۰۰	ح	۲۴۰۰
۶۶۰۰	۶۶۰۰	۲۸۰۰	۶۶۰۰	ط	۲۸۰۰
۱۵۰۰۰	۱۲۰۰۰	۲۸۰۰	۱۵۰۰۰	ی	۲۸۰۰
۱۴۰۰۰	۹۵۰۰	۲۸۰۰	۱۴۰۰۰	ک	۲۸۰۰
۴۲۰۰	۳۰۰۰	۲۸۰۰	۴۲۰۰	ل	۲۸۰۰
۸۲۰۰	۷۰۰۰	۲۸۰۰	۸۲۰۰	م	۲۸۰۰
۲۲۰۰	۴۴۰۰	۲۸۰۰	۲۲۰۰	ن	۲۸۰۰
۱۴۰۰۰	۶۰۰۰	۲۸۰۰	۱۴۰۰۰	س	۲۸۰۰
۶۲۰۰	۶۹۰۰	۲۸۰۰	۶۲۰۰	ت	۲۸۰۰
۲۳۰۰۰	۲۵۰۰	۲۸۰۰	۲۳۰۰۰	ث	۲۸۰۰
۳۳۴۰۰	۱۴۳۰۰	۲۸۰۰	۳۳۴۰۰	ج	۲۸۰۰
۷۰۰۰	۲۴۰۰	۲۸۰۰	۷۰۰۰	چ	۲۸۰۰
۱۱۸۰۰	۲۹۰۰	۲۸۰۰	۱۱۸۰۰	ح	۲۸۰۰
۹۰۰۰	۱۱۱۲۰	۲۸۰۰	۹۰۰۰	ط	۲۸۰۰
۱۱۲۰۰	۶۳۰۰	۲۸۰۰	۱۱۲۰۰	ی	۲۸۰۰
۹۰۰۰	۶۳۰۰	۲۸۰۰	۹۰۰۰	ک	۲۸۰۰
۳۵۰۰	۲۲۰۰	۲۸۰۰	۳۵۰۰	ل	۲۸۰۰
۴۰۰۰	۱۰۰۰	۲۸۰۰	۴۰۰۰	م	۲۸۰۰
۱۳۵۰۰	۲۵۱۰	۲۸۰۰	۱۳۵۰۰	ن	۲۸۰۰
۶۰۰۰	۱۳۵۰	۲۸۰۰	۶۰۰۰	س	۲۸۰۰
۲۲۸۰۰	۷۰۰۰	۲۸۰۰	۲۲۸۰۰	ت	۲۸۰۰
۲۲۰۰	۲۲۴۰۰	۲۸۰۰	۲۲۰۰	ث	۲۸۰۰
۲۱۹۰	۹۴۴۰	۲۸۰۰	۲۱۹۰	ج	۲۸۰۰
۱۰۳۱۵	۱۳۳۲	۲۸۰۰	۱۰۳۱۵	ح	۲۸۰۰
۵۶۰۰	۷۰۲۰	۲۸۰۰	۵۶۰۰	ط	۲۸۰۰
۵۰۰۰	۶۶۰۰	۲۸۰۰	۵۰۰۰	ی	۲۸۰۰

دستا وردهای با زهم بزرگتری تبدیل خواهند شد و در این راه قبیل از هر چیز به مسئله وحدت و مناسباتی ایران چشم دوخته ایم زیرا که مع تقدم حل مسائل جنبش کمونیستی در ایما دوسمی به برخورد و پیرویه مبارزه ایدئولوژیک که در این زمینه طی خواهد شد مریوط میگردد. بدون تامین وحدت، خرد کار ریها و دیوار کار ریها... همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. بدون کوشش آگاهانه کمونیستی و مسئولانه در این راه گروه پرستی سنگ نظرانه ای که میباید ردقا دراست مسائل جنبش را به تنهایی حل نماید همچنان وجود خواهد داشت. از طرف دیگر در حدان یک برخورد اصولی و مبارزه ایدئولوژیک برای تامین وحدت، محافل و گروهیائی که حامل نظرات اسخلال طلبانه و کمونیستی هستند، هر چند به دلیل موقعیت کنونی جنبش کمونیستی و مبارزه ایدئولوژیک که ما آنان صورت گرفته به انزوا کشیده شده اند، فرصت خواهد داشت تا جنبش کمونیستی را در خود آذرین موردتها حم فرار داده و با زهم بیشتر بر رشتت فعلی تحت شعارها و فریادهای دروغین "وحدت" ما سر زنند. ما ضمن اینکه با تمام قوا برای این وحدت تلاش خواهیم کرد، با تمام نیرو و امکاناتمان برای توده های گردن هر چه بیشتر سازمان کوشش خواهیم نمود.

پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر
پیش سوی پیوند هر چه بیشتر با طبقه کارگر
برقرار رسد دمجمهوری دمکراتیک خلق



نامه ها و اشعار رسیده:

این هفته بدلیل کمبود حاسنا نسیم جمعدها صح به خوانندگان و همسری را بیارم و من بوزن از رفقا و دوستان خواهند نهرست نامه ها را تا رسیده را کند تا روز پنجشنبه بدست ما رسیده اسنا علام میکنند:
نامه از رفقا: (الف ۲۵) جها رمطری، دورغی...
کارگر (از جنوب) - ع. ک. ا. ب. - شاهین - ج. ک. - رفیق پیشمرکه (از کامران) - یک رفیق مغلیم - ص. فرزند - محمد - کمیته کارمندان - مرم (دانش - آموز) - بهرام - س. ب. غ. - اکبر (از هوا) - ج. - ونا بهاشی ارد - دشهران - حوزه صوب (دانشجوئی) جمع مسئولین منطقه (۴) حوزه شرق - د. شرق - د. د. غرب - در ضمن اشعار رسیده برای صفحه هنری شرح زیر است: رفیق و. ر. امین اشعار رسیده - رفیق ک. ب. از رشت - لشت نشا - رفیق ع. س. از امل - رفیق...
رفیق مهوش از سنندج.
از یک رفیق زندانی در جوستان دوستبرای مطلع:
"من یک کارگرم" و "یک"، دو سه، پیش! "و نه س" از رفقای هوادار سازمان در فرانس به ترجمه یک مقاله از لنین درباره زولتسوی.
در ضمن نامه های بدون امضای شخص رسیده بود که نمی توانستیم برسدن آنرا علام کنیم با ردیکس از رفقا میخواهیم ما مستننا خود را با دوحرف (فارسی) و همچنین تاریخ نامه را فراموش ننمایند.

دستان را به گرمی منظر ایم - بیروستان!
* * *

بوزش

منافانهد بدلیل کمبود حاسنا نسیم معافله "رزمندگان و مسئله... و گزارش بزرگداشت چهارم ردمی شیدنی شهرام را در این شماره رسا و رسم.

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۲)

توانست با کمک آیت الله بروجردی جلوی نظا هراتی از این نوع راهپیکارها مل بگیرد و موضوع اشغال فلسطین در ایران با سکوت شرم آوری که تا حد قابل توجهی تحت تاثیر مونتگومری آیت الله بروجردی بود روبروند. آیت الله بروجردی برخی از طلاب جوان، پس - جمله سران فدائیان اسلام را که خواستار شرکت در جنگ فلسطین بودند از قم بیرون کرد و آنها در همین رابطه مدتها جرات با زکشت به قمرانیا نیندند.

از سوی دیگر در حالیکه جنبش دمکراتیک خدا میر - با لیستی خلفهای ایران علیه سلطه امپریالیستهای انگلیسی اوج گرفته و خواستار رملی شدن منابع نفت بود، آیت الله بروجردی نه تنها از آنها خودداری کرد بلکه "حکم" (۱) ملی شدن صنعت نفت را که یکی از مراجع درجه دوم است آیت الله محمدتقی خوانساری که بطور نسبی گرایشهای شرفخواها نه داشت داده بود

- نقش روحانیت در زمان آیت الله بروجردی بیخ مفید بود و رژیمها چگونه بود؟
- چه کسانی کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد را به شاه "مبارک باد" میگفتند؟
- کنایه های دمکونیستی را که جایزه سلطنتی بدان تعلق میگرفت چه کسانی می نوشتند؟

طلبی های بورژوازی درون طلاب جوان را نیز با جماعت تکفیر سرکوب میکرد. فقط برای فتنال میگویم که در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) همزمان با تاسیس دولت غاصب اسرائیل و اشغال فلسطین موج مخالفت شدیدی در کشورهای منطقه چه عربی و چه غیر عربی نظیر پاکستان همراهمسا نظا هرات در گرفت و توده های بسیاری خواستار شرکت در جنگ علیه صهیونیستها شدند ولی در ایران، رژیم شاه

در حاشیه مصاحبه

با دکانهای ارتش سخنرانی میکرد و برای منحرف کردن افکار عمومی از قضایای سیاسی، مساله بهیثیت را که از لحاظ سیاسی برادر دوقلوی رژیم شاه و آلش در دست امپریالیستها بود علم میکرد و با طرح یک سلسله خرافات میکوشید مردم را مشغول کند. آقای فلسفی با سپهبد زاهدی و تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران و سایر تما نقلیج رئیس ستاد ارتش دوست نزدیک بود. با بد برسید چه کسانی از افشای مزدورانی چون فلسفی میترسند؟

شیخ محمدتقی فلسفی واعظ معروف که این روزها نیز - همانند گذشته - به فحاشی علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی می بردا زد و جندی بیش همراهمسا گروهی در جماران با آیت الله خمینی ملاقات کرده ام کسی است که علیه مصدق و به نفع شاه موضع داشت و در حد خود جا ده ما فکن کودتای آمریکا ش ۲۸ مرداد دیسود او از سال ۲۵ به بعد با دریا ففت حقوق از رگس ۲ در



"حجت الاسلام شیخ محمدتقی فلسفی واعظ معروف در خدمت سپهبد زاهدی عامل کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ و نخست وزیر کودتا."

در شما ره گذشته بعنوان مقدمه، به تشدید حرات دمکونیستی و ضد محاهدینی بویژه پس از سخنرانی آیت الله خمینی در آ تیرماه انا ره کردیم. در آن سخنرانی از تماس دونفر از رفقای ما با آیت الله خمینی به عنوان نما بندگسا ن سا زمان محاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۰ سخن به میان آمده بود. مصاحبه ای که ما با رفقا تراب حق شناس و حسین روحانی در این باره ترتیب داده ایم در این شماره و چند شما ره دیگر ملاحظه میکنید:

پیکار: صحبت را با سالی از رفیق تراب آغاز میکنیم که قبل از سال ۵۰ نیز با آیت الله خمینی آشنا شئی و تماس داشته است. شما چه توضیحاتی را پیرامون آن تماسها برای خوانندگان مسا مفید میدانید؟

تراب: قبیل از بردا سخن به تماسی که ما در نجف با آیت الله خمینی در سالهای ۴۹ تا ۵۳ بعنوان نماینده گان محاهدین خلق داشتیم بهتر است به زمینه آشنا شئی خود ما روحانیت در سالهای قبل از آن انا ره کتم جزا که از جمله بدها اعتبارها ن آشنا شئیما، سا زمان مرا به نجف برای تماس فرستاد.

سابقه آشنا شئی من با روحانیت به محیط خانوادگی و سالهای که در قم تحصیل میکردم (۳۹-۴۶) و نیز به مسا زرات سالهای ۴۹ تا ۴۲ و پس از آن بر میگردد. من در محیطی مذهبی بزرگ شدم و از دوران کودکی در کنار تحصیل در دبستان و دبیرستان با قرآن و نهج البلاغه و کتب مذهبی و ادبیات عرب مانوس بودم. بسیاری از خویشان نزدیک من از علمای معروف فارسیچرم، لار، شیراز هستند. پدرم هر چند از طریق وعظ و مسجد اسرار معاش نمی کرد و زندگی فقیرانه ای عمدتاً از راه پرورش دام می گذراند ولی با فرهنگ مذهبی و روحانی بسیار مانوس بود و علائق و پیوندهای مذهبی و عمل مجدانه به دستورات دینی در بین ما بشکل خیلی قوی وجود داشت.

اکنون با یادآوری مجدد خاطرات و اطلاعات تم از سال ۳۰ به بعد می توانیم به این نکات و ملاحظات بطور بسیار مختصراً اشاره کنیم:

آیت الله بروجردی پس از فوت آیت الله سیسند ابوالحسن امینی در سال ۱۳۲۵ بر مسند مرجعیت فرا گرفت و بتدریج دیگر مجتهدین رقیب را با پشتوانه و حمایت رژیم شاه زمینان بدر کرد و در راه روحانیت شیعه قرا گرفت و نه تنها در ایران از فتوا لیسیمو نظا سلطنتی و محافظه کارترین عقب مانده ترین اقتدار اجنماعی حمایت و در واقع آنها را نما بندگسی میکرد، بلکه با نفوذی که در برخی دیگر ا ر کشور های منطقه نظیر عراق و شیخ نشینهای خلیج و پاکستان داشت تا آنجا که مینوانست مانع حرکت های انقلابی و شرفخواها نه آنها نیز میگردد. در واقع نقش آیت - الله بروجردی مانند بختکی بود که ۱۵ سال تمام (۲۵ تا ۴۰) نه تنها به توجیه اقدامات ضد خلقی رژیم شاه و ترکان زیبا امپریالیستهای انگلیسی و آمریکا شئی مشغول بود بلکه هر گونه مدامی حق طلبانه و حتی تجدید

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

با بیکوت کرد، فردا خیریس از جندی مرد.
شکرک آیت الله کاشانی هم در مبارزات ملی شدن
تخت - همانطور که میدانیم - چنان از اینگاه مرتجعانه
- ای سوگند که آسانی پس از یکسال همکاری با مصدق
به همدستی با امثال دکتر مظفری، و دیگر نوکران
انگلیسی و آمریکا در گردن زمینه برای کودتای ۲۸ مرداد
تبدیل شد، در این باره حقایق زیادی در تاریخ ایران
وجود دارد که بجای خود با بد برای توده ها روشن شود.
روحانیت شیعه (با استثنای معدودی که چندان نفوذی
در بین مردم ندارند نظیر آیت الله طالقانی و آیت -
الله سیدرضا زنجانی و چند تن دیگر) در سخت ترین
لحظاتی که در آن سالها بر توده های میهن ما گذشت
(نظیر کودتای ۲۸ مرداد، انعقاد قرارداد کنسرسیوم
انفعا دیپمان بغداد، بیمان سنتو، کشتارهای سی -
حساب توده های کارگران و زحمتکشان و روشنفکران
مترقی طی سالهای ۳۰) جز بیکوت و مبارزات با رژیم شاه
جز حمایت از با نگاه جناحی خودشان یعنی فتواد -
لیسم (که جز این همان نظارت است) کار دیگری نداشت.
بسیاری از مردم بخوبی به یاد دارند که روحانیون
درباری نظیر آیت الله سید محمد بهبهانی و واعظانی
مثل فلسفی چگونه به مصدق و سنجع شاه موضع داشتند

جعفر سبحانی تبریزی (نما بندگان مجلس خیرگساران از -
تبریز) و بهشتی و موسوی اردبیلی و موسی صدر و... می
- کوشیدند اسلام را منتساب با نژادهای بورژوازی به
زبان زور توجیه کنند و با مثلا زبان انگلیسی می -
آموختند. دستگا درباری و جاکمیت سی چون و چسرای
بروجردی چنان متحجر و عقب مانده بودند که حتی ایشان
را از اینکار منع میکرد و انتشار مجله شان بنام "مکتب
اسلام" با سردی و بیکوت بروجردی رو برو میشد!
این نما بندگان بورژوازی متوسط در حوزه های
دینی، منتهای آرزویشان آن بود که با اصطلاح ایدئولوژی
اسلامی شان را بزبان روز، بزبان تحصیل کرده
- های دانشگاهی و با جاشنی برخی کلمات فارسی

حل و فصل برخی دعاوی چند ماه پیش، به انضباط فرستاده
شد در سال ۲۵ به استیفا لصریح اهدا شد تا که آنرا
از انضباط به عراق می بردند (و به عنوان یک وسیله
تبلیغی بنفع رژیم شاه و دیگران ساواک، در شهر
- های ایران می چرخاندند) رفت و دلیل آن را در
برای برخواستن اعتراض آمیز من چنین آورده که "مگر ما
با بد با همه کارهای رژیم مخالفت کنیم"!

راستی که آنتی کمونیسم را هی جز فوط به دامن
بورژوازی و امپریالیسم و عمال اش ندارد. این حقیقت
هم در گذشته ثابت شده و هم پس از این بیش از پیش بر
توده ها روشن خواهد شد.

- - چه کسانی مانع تظاهرات ضد اسرائیلی در سال ۱۳۲۷ شدند؟
- - در فاصله سالهای ۲۰ تا ۱۳۴۰ و حوادث مهمی که به وقوع پیوست
ملی شدن صنایع نفت، ۳۰ تیر، کودتای ۲۸ مرداد، انعقاد قرارداد
کنسرسیوم، بیمان نهی بغداد و سنتو... موضع آیت الله خمینی چه بود؟

موضع آیت الله خمینی چه بود؟

خوب، شاید بخواهید بدانید که موضع آیت الله
خمینی در آن سالها یعنی تا سال ۴۰ چگونه بود و آیت
- الله خمینی در برابر آن همه سرکوبها و فاجعه ای که
در کشور جریان داشت، در برابر بریدنی توری قسرون
وسطی شاه از یکطرف و مرجعیت بروجردی از طرف دیگر
در برابر سخت و پخت دربار بروجردی با دربار شاه
و واسطگ های کاشانی مانند قاسم قاسمی، امین
(الله شاه)، صدرا الاغراف (رئیس مجلس سنا و جلال
معروف باغشاه) و دانشبرزاده و... که مدامی بیمن
تهران و قم رفت و آمد میکردند و خودشان که برای
و تبرک به دست بوس آیت الله بروجردی میرفت، در
برابر تبریکاتی که پس از ۲۸ مرداد دو بار طرلامت شاه
از سوی آیت الله بروجردی به تهران ارسال میشد چه
بود؟ موضع آیت الله خمینی در قبال کودتای خاشاک
۲۸ مرداد و خونریزیها و اعدامها و شکنجه زندانها
چه بود؟ آیت الله بروجردی و روحانیت مذهبی نظیر اشغال فلسطین
ملی شدن صنعت نفت، کشتار ۳۰ تیر، تاسیس ساواک،
کودتا، انعقاد قرارداد کنسرسیوم و سرپا درختن دست -
آوردهای مبارزات مردم در جنبش ملی نفت انصفا -
بیمان بغداد و بیوستن ایران به اردوگاه آمریکا و
انگلیس که آنها هرقوت ما بل بودند می توانستند در
ایران نیرو پیدا دهند، انصفا دیپمان سنتو، کشتار
کارگران کوریزخانه در سال ۲۸ و دهها حادثه دیگر
چه موضعی داشت؟

بیان کنند و مثلا با فلان مؤسسه اروپایی یا آمریکا
که در باره "حفاظت اسلام" تحقیق میکند و داده داشته
با سند، بهشتی و مجتهد شری (نما بنده فعلی
مجلس) که بعدها به آلمان رفتند و موسی صدر به لبنان
و جنت الاسلام نوری که "نما بنده امام" در اروپاست و
کاشانی دیگر، از آن زمانها خود را برای نما بندگی
بورژوازی در میان روحانیت آماده کرده اند. سیند -
های خسرو شاه "نما بنده امام" در روز ارت اشد ملی
و عده ای دیگر نیز از این دست هستند. جالب است که
این گروه از روحانیت اساساً از سوی آیت الله شریعتداری
که از زمان زمان بیست و هفتگی به بورژوازی بزرگ و
جوهات تجار تبریزی با زار تهران و تبریز و... بود،
حمایت میشد. شریعتداری بر نامه های متعددی در
همین چارچوب پیاپی کرده. منجمله دارالتبلیغ کلا
هتل ارمر با عنوان محل دارالتبلیغ به چند مدهزار
تومان (۲۰ سال پیش) خریداری کرد.

نکته مهم این که همین جریان با اصطلاح ترقی -
خواها نه که در قیقا ما هیبتی بورژوازی داشت به تراز
جناحهای سنتی و عقب مانده می توانست با اندیشه -
های کمونیستی با اصطلاح مبارزه کند و از این لحاظ
وظیفه خاصی بعهده داشت.
نمونه ای از مبارزات آنها با افکار کمونیستی
را ذکر میکنم:

نا صرم کارم بلا قاصد پس از کودتای ۲۸ مرداد ۲۲
کتاب "فلسوف شما" را منتشر کرد و برنده جایزه
سلطنتی شد تا چند سال پیش که جای پها مجدداً منتشر
میکردید به عنوان "افخار" روی آن نوشته میشد "برنده
جایزه سلطنتی" مرتضی مطهری هم زود دست بکار شدند و
کتاب "روش رضا لیس" را که علامه طباطبائی نوشته
بود با ورقی از چاپ در آورد. از سوی محافل دینی
در تهران نیز فردی بنام دکتر عبدالحسن کافی کتاب
دیگری منتشر کرد، و جنت از کمونیسم که در قیقا و جنت
طبقات است شما رگرا از طبقه کارگر و بدشولوزی آنرا
می رساند، این حضرات را با رژیم شاه همصدا کرده و به
دام آن انداخت. فقط برای نمونه میگویم که قاسی
نا صرم کارم نما بنده مجلس خیرگساران و عوضیها معسه
مدرسین حوزه قم و کسی که به عنوان "نما بنده امام" برای

و در حدود دوازده سال کن کودتای آمریکا ۲۸ مرداد
بودند. پس از کودتای آمریکا ۲۸ مرداد، روحانیت
عموماً از اینکه کشور با اصطلاح بدست کمونیستهای فاشه
خوشحال بود. دادستانی نظامی که افراد متهم به
توده ای و چینی بودن را دستگیر میکرد، زمانی که می -
خواست با لافچه آنها را آزاد کند، با بد همراها تعهد
عدم فعلیت سیاسی و تقسیم و فاداری به نظام شاهنشاهی
و دین مبین اسلام، از منهد رگرا ریک روحانیت عکس
گرفته شود و ضمیمه برنده کرده. آیت الله بروجردی با
راه انداختن یک دربار مثل واتیکان در قم به ریخت و
- پاش میلیونیها تومان پولی مشغول بود که از سوی
فتواد لبا و نجا ریزرگ (که حاصل دسترنج زحمتکشان بود)
به صندوق سر ازیر میشد و طرفیاش نامش "حاج احمد"
به سر تا به داران و هتل داران بزرگی تبدیل شده
بودند. بسیاری از روزگیاها دربارها را چاری که سمیل
قدرت حکومتی فتوادلی بود در "دربار آیت الله
بروجردی در قم دیده میشد. حتی مفتخوران و یا ندانان
دور قاب چینیهای بنام "اصحاب استغنا" (۲) مرکب
از مبارزان آیت الله بودند. و بدینست این
نمونه را هم میگویم که آیت الله بروجردی در حالیکه
قریب ۹۰ سال از عمرش میگذشت درست به سبک شاهان
خوشگذران، زن جوانی را به عقد خود در آورد، و با اصطلاح
"تجدید فراش" کرد. این دختر جوان را پدرش که گویا
یک مالک بود "تذریک سید جلیل القدر" کرده بود!

اما موضعگیری آیت الله بروجردی در برابر برخی
حرکتها و جددخواهی در میان روحانیت و طلاب جوان
چگونه بود؟ حرکت ما معور شدت فادای طبقاتی بنفع
بورژوازی، انعکاس خود را در میان روحانیت و حوزه های
"علوم دینی" در تلاش برخی از روحانیون برای فراگیری
با اصطلاح علوم جدید می یافت. کاشانی ما ننندنا صرم کارم،
(۱) - در فرهنگ شیعه "حکم از فتوا" اهمیت
بیشتری دارد. بدین صورت که تبعیت از فتوا برای همه
الزام آور نیست ولی تبعیت از "حکم" برای همه حتمی
دیگر مجتهدین ضروری است.

(۲) - سوالی که از مجتهد میشد و از وقتوای را
طلب میکند استغنا میگویند و منظور از اصحاب استغنا
جمعی است که به بررسی و صدور فتوا نزد بروجردی می -
پرداخت.

در حاشیه مصاحبه:

در حاشیه مصاحبه سندی براساس کتاب "نهفتد وماه روحا نیون"
تالیف علی دوانی - قم ۱۳۴۱ - میاوریسم تاریخ تلگراف مهر ۱۳۴۱ آمیباتد:

تلگراف حضرت آیه الله خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلی حضرت همایونی

پس از اهداء تجیبت و دعا بطوری که در روزنامه هامنشر است دولت در انجمنهای ایالتی و ولایتی اسلام را در رأی دهندگان و منتخبین شرط نکرده و بزنها حق رأی داده است و این امر موجب نگرانی علماء اعلام و سایر طبقات مسلمین است بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام. آرامش قلوب است مستدعی است امر فرمائید مطابقه را که مخالف دین است مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از بر نامه های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعا گوئی ملت مسلمان شود .

الداعی روح الله الموسوی

میکردند تا مستند بکا هی بیابند و مطرح شوند. رشد بورژوازی کمپرا دورورونق کا ذبی که چند سالی در ایران وجود داشت آیت الله شریعتمداری را که متکی به سرما به داران متوسط و بزرگ بویژه تجار و ذیابجانی بود بعنوان مجتهد مورد احترام این اقشار و نیز رژیم شاه در آوردولی برای برخی اقشار تحت ستم یعنی خرده - بورژوازی سنتی، خمینی سمبل و نماینده منافع طبقاتی بود خرده بورژوازی سنتی شدیداً از سوی سرما به - داری وابسته حیاتش تهدید میشد و مبارزه جدی و غیره - رفربستی را طلب میکرد اما تا نیکه تمامه ما ندهای از سفره رنگارنگ بورژوازی بطور موقت بها و (خرده - بورژوازی سنتی) میرسد با احتیاط جلوگیری یافت. ولی وقتی دیگر کار دبه استخوانش میرسد حتی گاه به - حمایت از فعالیتهای مسلحانه مجاهدین نیز میرسد.

۱) اما به مصاحبه، با تفصیل بیشتری به حوادث سال - های ۴۰ و نقش روحانیت می پردازد که در شماره آینده خواهد خوانند.

که بسیار زسرشدن نوده های متوسط و فقیر و ستم - دنده به خیابانها شد با قیام ۱۵ خرداد و سرکوب خشن نوده های از سوی رژیم: چه گردید. آیت الله خمینی برای نوده - ها بصورت رادیکالترین و هرمدھی در آمد تلاش - های رژیم برای تبعید و بدنام کردن او و علم کردن کسانی مانند شریعتمداری و خوئی و غیره به محسوسیت خمینی و ضعف نشدن با بکا ه کسانی مانند شریعتمداری که سابقه بیشتری از خمینی داشتند انجام میدوهم خمینی را در موضع قاطعاً مخالفی قرار داد که نمونداش سخن - رانی شدیداً و در سال ۴۳ سرزنش و به کایتولاسیون (ممنوعیت قضائی مستاران آمریکا) توسط مجلس بود. حرکت مبارزه جویانه آیت الله خمینی از سوی دیگر مراجع عمدتاً سکوت و اگر او روبروشد. فاشودالها ضربه خوردند و در سیستم جدید بورژوازی کمپرا در حیل بند و کاساتی مثل آیت الله حاج آقا حسن قعی (مقیم مشهد) که در نیا از بکا ه حمایت از فاشودالها به مخالفت با شاه سرخاسته بودند علیرغم قریب ۹ سال تبعید در کرج چون از یک جریان اجتماعی تقریباً مرده حمایت

گناهای درسی که گاه تا لیق آنها به چند صد - سال قبل میرسد با بند بود. تغییر برنا مه ها و کتسب درسی بخوبی که متناسب تا ثبات زور و آری با شذیصورت یک حرکت جدی در آمده بود ولی آیت الله خمینی در رابطه با همین کار صفتی اش نیز بسیار رسه سن گذشته و عقب مانده با بند بود .

در درس "اصول" بحثی وجود دارد بسم الله - واجب. منظور از این بحث این است که معلوم شود اگر کاری "واجب" است (مثلاً حج) آیا مقدمه اش (سوار هوا - بیما شدن) هم "واجب" است یا نه؟ قای خمینی وقتی می - خواسته این بحث را برای شاگردان شروع کند گفته بوده این بحث "تهبدر دنیای خوردن آخرب" و لسی چون قدام این بحث را دانسته اند ما هم آن را شروع می - کنیم و سه ما هتا موقت چند نفر است این قضیه که بقول خودش بهیچ دردی نمی خورد گرفته می نود...! در آن سالها که آن همه قضا با درایران جریسان داشت آیت الله خمینی ما این بحثها و نوشتن کتاب - های منجمله ۳ کتاب در باره "دما" "ثلاثه" (خونهای حیض و نفاس و استحاضه) منقول بوده است. کویا فقط در قبال حکم اعدام نواب صفوی نزد بروجردی رفته او را تشویق به نفلان برای جلوگیری از اعدام آنها کرده بوده است و بروجردی هم را خواسته بوده که اگر آنها را اعدام می کنند حداقل با لباس روحانی آنها را اعدام نکند (مبادا عمامه اعدام شود) که همینطور هم شد. اما پس از مرگ بروجردی در اوائل سال ۴۰ و طرح مساله اصلاحات ارضی آمریکا - نا ده که بروجردی از موضع فتوای ثا وقتی زنده بود با تمام قوا از اجرای آن جلوگیری کرده بود آیت الله خمینی همرا با حرکت اعتراضی روحانیون علیه اصلاحات ارضی، قانون انجمن - های ایالتی و ولایتی و ترک زبان در انتخابات... به مخالفت علمی با اقدامات دولت برخاست. مخالفت آیت الله خمینی با ارسال تلگراف به شاه و علم (نعت و زبورفت) که مضمونی انقلابی نداشت شروع شد هر چند لحن او از دیگر مراجع خشن تر و مر جتر بود.

هژومان با استقرار حاکمیت سرما به داری وابسته و به تبریکوشیم ندکی فصل از آن، خرده بورژوازی سنتی چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ فرهنگی خود را در معرض نابودی میدید. این مسئله بطبعاً عکس العمل مبارزاتی و خصمگینا نه او را علیه سلطه میرزا لیسینی و کمپرا دورها و دورا س آنها تا ه برمی انکسب و نمایندگان سیاسی - مذهبی خرده بورژوازی خواستند و نظرات طبقاتی خود را در شمارها و مواضع جوش متعکس میکردند و فعالانه وارد عرصه سیاسی مبارزاتی می - گشتند، یکی از رهبران مذهبی که توانست در این عرصه نقش ایفا کند و نظار خرده بورژوازی و تا حدی زحمت - کشان را به سمت خود جلب نماید آیت الله خمینی بود که شمارهای رادیکالترین نمیداد.

نوده های ستم دیده با توجه به نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود از یکطرف و فرهنگ مذهبی از سوی دیگر به مجتهدی روی آوردند که برخلاف دیگر مجتهدان (که کارشان سکوت و سازش با رژیم بود) با شاه مقابله می - کرد و بدین ترتیب آیت الله خمینی بعنوان رهبر مذهبی و سیاسی پذیرفته شد و تا سالهای ۴۱ و ۴۲ بعنوان مرجع تقلید مبارز مطرح گردید. دستگیری او

تمام دارائی پیکارگر شهید طیب نجم الدینی در اختیار سازمانش قرار گرفت

مبلغ ۷۰۰۰ ریال در دستمزد کارگری رفیق شهید طیب نجم الدینی (ابن رفیق بهمرا همسنگرش رفیق شهید مسعود جالی را محدود و یکماه پیش در تبریز دست مزدوران جمهوری اسلامی ترور شد.) که تا روز قبل از شهادتش کار می کرد از کار رفیرما بش در یافت و در اختیار سازمان قرار گرفت. ما ش زنده و خاطره اش جا ودا نمیداد.

رفقا، دانش آموزان انقلابی!

۱۳ آبان ارگان دانش آموزی سازمان را بخوائید و آنرا بپیمان دانش آموزان، بخصوص فرزندان زحمتکشان ببرید.



مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار (۲) با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

در شامه قبل پیکار (۷۰) گفتیم که در مناظره تلویزیونی روزهای دوشنبه ۲۷ و چهارشنبه ۲۹ مرداد سه گروه شرکت داشتند: گروه اول، مسئولین وزارت کار گروه دوم (حکیمان و کتکشا و ورزی) از طرف کارکنان شوراهای اسلامی (پلی تکنیک) و گروه سوم (ربیع و کمالی) از کارکنان هماهنگی شوراهای اسلامی (خانه کارگر). در آنجا با برخوردیه گویای از سخنان یکی از باسپلاخ نمایندگان گروه دوم (کارکنان شوراهای اسلامی) نشان دادیم که اینها علیرغم اینکه بظواهر طبقه کارگر دفاع میکنند در واقع مدافع سرمایه داران هستند. در زیر قسمت بندی آنرا ملاحظه میکنید.

اگر در استان کارگر بیا ددا شته باشد، و در همان مناظره تلویزیونی نعمت زاده وزیر کار با نرسرت از مبارزات سال گذشته کارگران یاد میکند. خواست آقای نعمت زاده یعنی ما حاکمان را خاندان پتیموس ما نندهر سرمایه دار دیگر نیست که کارگران از راههای قانونی بدنبال حق خود باشند. چرا؟ چون قوانین رژیم جمهوری اسلامی ما نندهر قوانین دولت های سرمایه داری همواره از منافع سرمایه داران حمایت کرده و کارگران را محکوم می نماید. سرمایه داران بخواهی میدانند که اگر بتوانند کارگران را به راههای قانونی (همان قوانینی که خودشان بخاطر منافع خودشان درست کرده اند) بکشانند در واقع توانسته اند دست و پای کارگران را کاملاً بپایند و آنها را فلج کنند. خود وزیر کار اعتراف می کرد که سال گذشته کارگرانی که بطور انقلابی دست به اعتصاب زده بودند بیشتر از همه توانسته بودند سود ویژه بگیرند. در صورتی که دولت موفق شده بود سرمایه دارانی را که به راههای قانونی کشیده شده بودند کلاه کشادی بگذارد و کمترین سود ویژه را به آنها بدهد. (کشا و ورزی) هم که خود وابسته به یکی از تشکیلات زرد (م) کارگری است (کارکنان شوراهای اسلامی) و از سرمایه داران دفاع میکنند میگوید حبله و نیبرنگ جلوی مبارزات کارگران را بگیرد و آنها را بهمان راه دلخواه سرمایه داران یعنی راه قانونی بکشاند تا هم گوشه ای از سخنانش را مرور میکنیم:

پس ما کارکنان شوراهای اسلامی به کارگران! کشا و ورزی از گروه دوم (کارکنان شوراهای اسلامی) در قسمتی از سخنان خود طی بیانی اینچنین کارگران را با ارزش و تسلیم در مقابل دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی دعوت میکند: "سرمایه داران کارگر... با توجه به اینکه همیشه در مقابل تصمیم گیریهای غیر منصفانه بطور مثال حداقل دستمزد... و اخیراً همین مسئله سود ویژه جلوی شما را و خلاقیتها را گرفته اند... فساد دولتی و منافع ایستادگی کرده اند همیشه کارگران با توجه به تمام اینها صبر و تحمل کرده اند، حال هم

(م) - "کارکنان شوراهای اسلامی پلی تکنیک و کارکنان هماهنگی شوراهای اسلامی" (خانه کارگر) - سردوار تشکیلات زرد کارگری هستند که نمایندگان شرکت کننده در این مناظره وابسته به آن میباشند.

خونسردی خودشان را حفظ میکنند و بخاطر استقلال مملکت... به کار فعال خودشان ادامه میدهند و شوراهای اسلامی... منطقی و بیگرنه دنبال این مسئله را بگیرند... بخاطر همین است که این شوراهای اسلامی همیشه خواسته اند برای این تصمیم گیریها (یعنی همان تصمیم گیریهای ضد کارگری رژیم) کارگرها را توجیه میکنند و به آنها دعوت کنند. بخاطر خاللی... که گروههای چپ میکنند... (توضیح داخل پرانتز و تاکید از ماست.)

کشا و ورزی مبارزات انقلابی کارگران را برای بدست آوردن حقوق خود "خلالگری" می دانند زیرا این مبارزات واقعاً در منافع سرمایه داران اختلال بوجود می آورد! او کارگران را دعوت می کند تا اگر حقشان توسط دولت سرمایه داران جمهوری اسلامی پایمال می شود، خونسردی خودشان را حفظ نکنند و به کار فعال خودشان ادامه دهند! یعنی در واقع بیشتر کارکنان تا سرمایه داران بیشتر بتوانند آنها را استثمار نمایند! او از این می ترسد که کارگران دست از کار بکشند، نظرات نمایندگان این مسئله باعث لطمه خوردن به منافع سرمایه داران شود. به همین دلیل پیشنهاد میکنند که کارگران به "کار فعال خود" ادامه بدهند و شوراهای اسلامی دنبال کار را بگیرند. البته کشاورزی به خوبی میدانند "شوراهای اسلامی" مورد نظر او هم فقط در ظاهر دنبال کار را خواهند گرفت و در واقع باز دوباره کارگران را مانند سابق "به آنها" مشدود می کنند! کشا و ورزی هدفش راست و پوست کنده آرام کردن کارگرانی است که مصمم هستند با اتحاد مبارزه خودشان را از این رژیم سرمایه داری بگیرند. کشاورزی میدانند که ما زمانها و گروههای انقلابی (و از جمله ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) همیشه مدافع این بوده اند که کارگران در فریب قانونهای سرمایه داران را نخورند بلکه خودشان با تکیه بر نیروی اتحادشان برای بدست آوردن حقشان مبارزه کنند. به همین دلیل آنها را خلالگری نامند.

"کارکنان هماهنگی شوراهای اسلامی" (وابسته به حزب جمهوری اسلامی) چه می گوید؟ ربیع (از جناح مینور) و کمالی (از آخن) که از طرف کارکنان هماهنگی شوراهای اسلامی (یکی دیگر از تشکیلات زرد کارگری) صحبت میکردند نیز کوشیدند که به عوا مفریبی خود را طرفدار طبقه کارگر نشان دهند اما در واقع از منافع سرمایه داران حمایت کردند. ربیع ضمن سخنانش میگوید: "این طرح با بدیهه کمیسیون اقتصادی مجلس شورا برود" چرا ربیع این پیشنهاد را میکند؟ مگر مجلس که اکثریتش را آن در دست حزب جمهوری اسلامی است میتواند از حق کارگران دفاع کند؟ اگر حزب جمهوری اسلامی (و مجلس) میخواست با میتوانست از حق کارگران دفاع کند، رهبران آن که اکثر آنها اعضای شورای انقلاب را تشکیل میدادند، هرگز به لغو سود ویژه رای نمیدادند. وزیر کار در همین مناظره گفته بود "این تنها قانونی بود که

بهبودها با مخالفت مواجه شدند و همه (اعضای شورای انقلاب) به لغو آن رای دادند". اینها نشان میدهد که رهبران حزب جمهوری اسلامی هم که در شورای انقلاب بودند، به همین قانون ضد کارگری رای داده اند و دیگر دلیلی ندارد که مجلس هم که بیشتر از عوام طرفداران همین حزب تشکیل شده است با لغو سود ویژه کارگران مخالفت کند. ولی ربیع از این پیشنهاد هدف دیگری دارد. او میداند که کارگران در رابطه با لغو سود ویژه دست به مبارزه خواهند زد، به همین دلیل میخواهد با ظاهر سازی و عوام فریبی جلومبارزات کارگران را بگیرد و آنها را به "راههای قانونی" یعنی "کمیسیون اقتصادی مجلس" واگذار کند. اما کارگران به تجربه دریا فتند که همواره از طریق اعتصاب، اتحاد و همبستگی خودشان بوده که توانسته اند خودشان را از حلقوم سرمایه داران بیرون بکشند و در اکثر موارد اعتراضاتشان از طریق قانون بجای نرسیده و همواره از نظر "قانون" خواست - هایشان غیر قانونی شناخته شده است.

همانطور که قبلاً گفتیم (پیکار ۶۷) مخالفت "کارکنان هماهنگی شوراهای اسلامی" که وابسته به حزب جمهوری اسلامی و بتوسی بلندگوی آن میباشند، با لغو سود ویژه فریبی بیش نیست. مخالفت این کارکنان با لغو سود ویژه نه از موضعی انقلابی بلکه بخاطر آنست که از حرکت اعتراضی و عادلانه کارگران که بلافاصله پس از اعلام قانون ضد کارگری اخیر شروع گشته استفاده کند و از افتادن رهبری مبارزات کارگران بدست عناصر آگاه و همساز جلوگیری کرده و آن وسیله ای برای حزب جمهوری اسلامی بسازد تا در مبارزه قدرت علیه بنی مدار آن استفاده نماید.

خود ربیع در قسمتی از سخنانش به این مسئله اشاره میکند، به آن سوچه کند:

"یک مسئله دیگر خیلی کوتاه میگویم، اینکه جناب وزیر فرادای فکر نکنند که... یک موضعی... در خط انحرافی... گرفته اند و به وسیله ای برای کسب وجه میخواهیم بکنیم (موضعگیری در مقابل لغو سود ویژه)... بخدا مسئله ای نبوده... (توضیح داخل پرانتز و تاکید از ماست)

بدیهی است که منظور از موضع انحرافی گرفتن، همان موضعگیری انقلابی است که او با صراحت آنرا نفی میکند، تا مبارزات توهم کارگران نسبت به ما هیبت دولت بریزد. و به سرمایه داران اطمینان میدهد که حرفهایش دعوی زرگری بیش نیست، خاطر مبارزکنان آهسته نپاشد! اینها از خودشان هستند!

منتشر شد

کتاب: سازماندهی ترویج حزب
کتاب: سخن در روزهای مبارزه

تا زمانیکه ۳۵٪ بر دستمزدها افزوده نشده "سود ویژه" گذشته پرداخت باید گردد!

جنبش کارگری در لهستان و انعکاس آن در نیروهای سیاسی ایران

اعتبارات کارگری لهستان، در بین رویزیست‌ها - نیستی‌های ایران، به اقتضای ماهیت ایدئولوژیک - سیاسی و طبقاتی آنها از یکسو و در بین دنباله‌روان رویزیونیست‌ها بنا به عدم درک و شناخت صحیح از ماهیت و عملکرد بورژوازی و ضد انقلابی رویزیونیسم - زسوی دیگر و اکتشافی را برانگیخت. هرکدام از این نیروها بنا به بینش و متنی خود با سکوت نمودند و با اراشه تحلیل‌هایی دست و پا شکسته خواستند خود را از قافیه تنگی که بدان گرفتار آمده اندرها سازند.

ا- موضع رویزیونیست‌ها در قبال جنبش طبقه کارگر لهستان

حزب توده درین بست رسوایی

حزب ورشکسته توده بعد از زدن سکوت و بدنبال اعلام موضع رسمی اربابش - سوسیال امپریالیسم روس - مبنی بر اینکه اعتبارات کارگری لهستان کار "عده - ای ضد سوسیالیسم" است و ریشتهایی می باشد، در روزی نامه "مردم" را نوشت:

"نگی نیست که پاره‌ای دشواری‌ها یا اختفادی بی پروزنا آرمیها در برخی نقاط لهستان منجر شده است که عناصر مشکوک آن را دامن میزنند. اینکزه این دشواریها را فزون بر عوام مل عینی فراوان در بعضی از اشتباهات سیاست اقتصادی بایجاد جستجو کرد." (مردم ۴ شهریور، تاکیدات از ما است.)

حزب توده همچون بندبازی ما هر میگوید از یکسو ما هیئت ارتجاعی رژیمهای از نوع رژیم لهستان را بهیوشاندا زسوی دیگر خود را از زیر بار سئوالات، ابهامات و شک و تردیدها بی که در سطح جامعه مردم ما هیئت سوسیالیستی لهستان بوجود آمده، نجات دهد، بپاید. این خا نشین پرسید: چرا در کشوری که شما رویزیونیست‌ها ادعای پیروزی سوسیالیسم در آن را دارید چندین دشواریهای اقتصادی بوجود آمده است؟ این "عوامل عینی فراوان" و "بعضی اشتباهات در سیاست اقتصادی" کدامند؟ خا نشین به طبقه کارگری هیچکدام از این پرسشها پاسخ نمیدهند. حزب ورشکسته توده از یکطرف گنبدگی سیستم کارم لهستان را تا سطح یک - سری اشکالات تقلیل میدهند و از طرف دیگر میخواهد اعتبارات عظیم ۳۰۰ هزار رنفری طبقه کارگر لهستان را زیر لطفی‌های دروغین خود لایوشا نی کند. او اعصاب طبقه کارگر لهستان را "تا آرمیها در برخی نقاط لهستان" قلمداد میکند که "عناصر مشکوک آن را دامن میزنند."

حزب توده همچون تمام رویزیونیست‌ها بر ما هیئت بورژوازی و حزب دولت لهستان برده‌ها ترمی افکند. او با سخ نمیدهد که چرا در کشور "سوسیالیستی" اش "دشواری اقتصادی" موجب اعتصاب چندمده‌ها رنفر کارگر میگردد؟ مگر نه این است که حزب دولت لهستان سوسیالیستی است؟ پس چرا کارگران علیه این دولت قیام کرده اند؟ چرا طبقه کارگر لهستان با اعتصاب خود رودر روی حزب و دولت خودش (!؟) ایستاده است؟ اعتصابات اخیر لهستان مشت دروغگویان رویزیونیست‌ها را با زکرده است: این دولت، دولت کارگران

نیست، دولت بورژوا رویزیونیست‌هاست. حزب توده بطور مبهم و مودبانه از "عوامل عینی فراوان" سخن میکوبد با سطح نازل زندگی طبقه کارگر، و در رابطه با دستمزدها و افزایش قیمت‌ها و کمبودها بحاجت زندگی همان "عوامل عینی" نیستند؟! این حزب ورشکسته برای اثبات دروغهای تا خدا رود به آرمیها قبل رجوع میدهد و میگوید:

"دستمزد واقعی زحمتکشان لهستان اینک دو برابر بیکره منشا به سال ۱۳۴۰ است تنها در ده سال پیش دستمزدهای واقعی در آن کشوره ۵ درصد افزایش یافت." (همانجا)

جدید روی می آورد. رویزیونیست‌های حزب توده بدون هیچگونه تاره به اعتبارات اخیر، بر نتایج اجتناب - نا پذیر مبارزه طبقاتی که ما بنا فشا را از با شین رشکاف در بالای ما با نمودن با نه برده‌ها ترمی افکند. حزب توده در قافیه‌ای تنگ گرفتار شده است. ابا طیل این حزب ورشکسته و همبالیگی‌ها پیش در مورد به اصطلاح دستا وردهای سوسیالیسم رویزیونیست‌ها در لهستان و دیگر کشورهای اروپای شرقی تکشیده و اینان نمیتوانند مثل همیشه برخی واقیتهای موجودا مروزی درجا مع لهستان را کتمان کنند. در "مردم" (مورخه ۱۰ شهریور) آمده است:

- حزب ورشکسته توده با تأیید اقدامات ضد انقلابی طبقه حاکم لهستان و همصد آبا بورژوا رویزیونیست‌های لهستان و سوسیال امپریالیست‌های روسی، مبارزات طبقه کارگر لهستان را "اخلالگری عناصر ضد سوسیالیسم" (کدام سوسیالیسم؟!؟) قلمداد میکند.
- رزمندگان باریکریه اقتصادی و تزلزلات رویزیونیستی و تنگین در مقابل سوسیال امپریالیسم روس روشن نمیکند که این کدامین طبقه سلط اجتماعی در لهستان است که طبقه کارگریه مبارزه بر علیه آن اقدام نموده است؟

"ادوارد گبرک (دبیر کل حزب رویزیونیست لهستان) ضمن اشاره به ضرورت تسریع آهنگ عادی سازی زندگی همگانی و اجتماعی گفت: "شرط عمده دستبالی به این هدف و بر طرف ساختن علل نا رضایی عمومی و احیای محیط اعتبارات متقابل است. وی اطلاع داد که برای ارضای نیازمندیهای فوری اجتماع ترکیب تولید تغییر خواهد کرد." (تاکیدات از زیکار)

رویزیونیست‌ها ضمن اعتراف بوجود آمدن "نا رضایی عمومی" نمی گویند ریشتهای این نا رضایی در چه عواملی نهفته است؟ چرا در کشور سوسیالیستی!! لهستان بین طبقه کارگر و حزب و دولتش اعتبارات متقابل وجود ندارد؟! برای ریشتهای نا رضایی عمومی وعدم اعتبارات متقابل در لهستان در چیست؟ در لهستان سرمایه - داری دولتی و طبقه بورژوازی و مناسبات سرمایه - داری حاکم است. حاکمیت استعمارگرانه و استعمارگرانه این طبقه سوسیالیستی اقتصادی - اجتماعی فدکاری آن عوارض اجتناب نا پذیری بنا آورده است که نمودهای مشخص آن را میتوان در فقدان آزادی و فشار سیاسی از یکسو و زسوی دیگر در گرانی، تورم، بیاشین بودن دستمزدها، کمبودها بحاجت عمومی، شرایط طاقت - فرسای کار و... در لهستان جستجو کرد. به سبب فشار فزاینده این عوارض است که "نا رضایی" بوجود آمده و طبقه کارگر لهستان به مبارزه بر علیه بورژوازی حاکم کشیده شده و با اعتبارات سراسری خود، بورژوا رویزیونیست‌ها را به عقب نشینی واداشته است. "نا رضایی عمومی" که رویزیونیست‌های حزب توده و لهستان از آن با دمیکند در واقع ریشته در همین مناسبات استعمارگرانه و عوارض فوق الذکر دارد. حزب ورشکسته توده به نقل و با تا شیداز "گبرک" رویزیونیست میکوبد: "ترکیب تولید تغییر خواهد کرد."

عجب! پس ۳۰۰ هزار کارگر لهستانی سرپا به چه انگیزه‌ای اکنون دست به اعتبارات زده اند؟ حزب توده با خیانت هر چه نما متر به افزایش قیمت ما بحاجت زندگی در لهستان با اعتبارات دیگر تورم کم رشکین اقتصادی در این کشورا تا رهنمیکند. در کشوری ما نند لهستان که بورژوازی سوخاسته بر آن حاکم است، افزایش قیمت‌ها و بنا گزیر پاشین آمدن ارزش پول و در نتیجه کاهش قدرت خرید توده‌ها نتیجه طبیعی استقرار مناسبات سرمایه داری در این کشور است و نه چیز دیگر. حزب توده که مدعا سوسیال امپریالیسم و قمار آن است و طبقه‌ای ندارد جز اینکه واقیتهای رابنفع بورژوا - رویزیونیست‌های ضد انقلابی، بیوشا ند.

او شگافی را که در اثر رشد و جگیری مبارزه طبقه کارگر لهستان در حزب و دولت بورژوا رویزیونیست لهستان بوجود آمده با رنگی سکوت میگذا رد و تعویض مهره‌های بورژوازی در حزب و دولت را "معاف شدن" از "عضویت" قلمداد میکند و میگوید:

"در جریان این اجلاس (اجلاس کامل کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان - پیکار) ۴ تن از اعضای دفتر سیاسی از عضویت در این دفتر معاف شدند." (مردم ۶ شهریور)

بزعم این ورشکستان "معاف شدن" ۴ عضو دفتر سیاسی، چرا و به چه علت انجام میگردد؟! آیا مگر غیر از این است که حزب و دولت بورژوازی لهستان در اثر فشار جنبش طبقه کارگر عقب نشینی کرد و با اتخاذ تاکتیک فریبکارانه مقابله با این جنبش به معاف کردن او با به عبارت دقیقتر تعویض مهره‌ها دست زده است؟ تعویض این مهره‌ها از نتایج ناگزیر بحران اقتصادی - اجتماعی لهستان است به معنای دیگر بورژوازی زیر فشار مبارزه طبقه‌ای پرولتاریا به تاکتیک

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

وا قعیت این است که ما هیت تولید در کشورهای بورژوا رویزیونیستی اروپای شرقی و شوروی بعد از حاکمیت رویزیونیستها از تولید سوسیا لیستی به تولید سرما به داری تغییر یافته است. در این کشورها اقتصاد متمرکز و با برنا به سوسیا لیستی وجود ندارد. لهستان ۱۹۷۴ میلیا رددلاری بهی خارجی دار و هر سال ۶ میلیا رددلاری با این بهی با بدبپردارد. تغییر ما هیت تولید سوسیا لیستی به تولید سرمایه - داری بنا گزیر تغییر ترکیب تولیدی را نیز در این کشورها بدنیا داشته است. ترکیب کنونی تولید در کشورهای نهدرجهت رفح نیا زمینهای فیسوری اجتماعیه و نه درجهت گسترش حفظ و تحکیم دستاورد های سوسیا لیسم بلکه درجهت انهدا دستاورد های طبقه کارگرو تا مین منافع طبقاتی بورژوازی حاکم بوده است.

رویزیونیستها از جمله حزب توده با بدیا سخ دهند مگر بزعم شما، ترکیب تولید قبل از اعتما با ت کارگری براساس موازین تولید سوسیا لیستی نبود؟ مگر طبق ادعای شما برنا به مریزی این تولید در خدمت رفح نیاز - مندیهایی اقتصادیه، اجتماعیه و فرهنگی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان لهستان نبود؟ اگر چنین بود اکنون برپا به چه انگیزه ای با بدیا این ترکیب تغییر یافته؟ و اگر چنین نبود این همه تبلیغات حول به اصلاح دست - آوردهای سوسیا لیسم در لهستان چه چیزی غیر از فریب دادن طبقه کارگری می تواند باشد؟

اعترا فات رویزیونیستی لهستان مبنی بر تغییر ترکیب تولید خودبروشنی بیانگرا این حقیقت است که آنچه که در لهستان و کشورهای نظیر آن مستقر شده، نه سوسیا لیسم بلکه سرما به داری بوده است که اکنون رویزیونیستها برای مقابله با جنبش کارگری و برای فریب آنها به راه جوشی برآمده و در پی تغییر ترکیب تولیدی فعلی می باشد. حزب ورشکسته توده با تانهدا فدا مات ندادن انقلابی طبقه کارگرا لهستان و هم - صدا با بورژوا رویزیونیستی لهستانی و سوسیا لیسم امپریالیستی روسیه، مبارزات طبقه کارگر لهستان را "خلاگری عنانرفرد سوسیا لیسم" (کدام سوسیا لیسم؟!) قلمداد میکند. حزب توده دست در دست بورژوا رویزیونیستی لهستان و تمام رویزیونیستیهای خاشن همدا با سوسیا لیسم امپریالیسم امپریالیسم آمریکا برضد طبقه کارگر و برپای سربوب جنبش کارگری در لهستان برخاسته است.

سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت): سکوت مودیانها

رویزیونیستیهای کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) تا کنون در مورد اعتما با ت کارگری لهستان و نتایج حاصله از آن سکوت اختیار کرده اند. طبیعی است که سکوت مودیانها این سازمان نمیتواند مدت مدیدی ادامه یابد. رهبری فدائیان (اکثریت) بالاخره در مقابل واقعیت مبارزه طبقاتی در لهستان تسلیم شده و به مبارزه طبقاتی موجود در این کشور اعتراف خواهد کرد. هم اکنون بدنیا لاعتما با ت اخیر کارگران لهستان انبوهی از سوالات و ابهامات در مورد ما هیت حزب و دولت حاکم بر این کشور برپای توده های هواداران سازمان بوجود آمده است. رهبری سازمان چریکها (اکثریت) از برخورد روبا روی با واقعیت موجود در لهستان می ترسد. آیا این واقعیت "اردوگا ه سوسیا لیستی" مورد ادعای چریکها را در نزد

توده ها زیر سوال نمی برد؟ آیا ما هیت بورژواشی کشورهای نظیر لهستان و ضدیت هیت حاکمه آن با طبقه کارگر را بر ملا نمی سازد؟ رهبری فدائیان از پاسخ به این مسائل وحشت دارد و به همین خاطر سکوت کرده اند. اما آیا این سازمان میتواند از پاسخ به صدها پرسش فرار کند؟ بهینش خط مشی رویزیونیستی حاکم بر این سازمان چاره ای جز موضعگیری در مقابل وقایع اخیر لهستان نخواهد داشت و آنچه که برای ما مسلم است این است که هرچنان رویزیونیست سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) موضع خود را بیغ بورژوازی و ازی لهستان و علیه کارگران مبارزان کشور بپرحال اعلام خواهد کرد. چرا که برای دنیا له روان و مناسطه - گران سوسیا لیسم را بهیسم چاره ای جز آن وجود ندارد.



۲- مواضع نیروهای سیاسی دیگر در قبال جنبش کارگری لهستان

راه کارگر: یکی به نعل و یکی به میخ!

جنبش کارگری در لهستان علیه بورژوازی حاکم یکبار دیگر آن امکان را بوجود آورد تا گرایشات رویزیونیستی رفقای "راه کارگر" عیان گردد. "راه کارگر" می نویسد:

"علت مستقیم و بلافاصله حوادث کنونی لهستان قبل از هر چیز وجود یک بوروکراسی قدرتمند است" (راه کارگر، شماره ۲۹)

این تحلیل، تحلیل همه تر و تسکیندهای جهان می باشد تر و تسکیندهای برای اعتقاد دیکه شوروی و کشورهای اروپای شرقی سوسیا لیستی می باشد لیکن در این کشورها بوروکراسی حاکم است. آنها بوروکراسی را پدیده ای ما فوق طبقاتی و نامودناخته و برآ نند. علیرغم این حاکمیت شیوه تولیدی در این کشورها کماکان سوسیا لیستی می باشد (!)

رفقای راه کارگر نیز به سبب گرایشات رویزیونیستی خود و عدم درک پرولتری از ما هیت بورژواشی رویزیونیسم معتقدند که این کشورها کشورهای "سوسیا لیستی" بوده و در مجموع "اردوگا ه سوسیا لیستی" را تشکیل میدهند! راه کارگر می نویسد:

"این بوروکراسی نمی تواند خود را با منافع کارگران و نیازهای اساسی آنان هما زکند" (هما نجا)

سوال اینجاست که ما هیت طبقاتی این بوروکراسی چیست؟ این بوروکراسی در خدمت حفظ و تحکیم کدام مناسبات اجتماعیه و کدام منافع طبقاتی قرار دارد؟ بنظر ما بوروکراسی حاکم ناشی از حاکمیت بورژوازی در این کشور وجودا بودن طبقه کارگرا از ایزارووا شل تولیدی می باشد. اما راه کارگر در این مورد سکوت میکند. ما می گوئیم - زمینها اساسی بحران همان حاکمیت رویزیونیسم - حزب و دولت لهستان و استقرار سرما به داری در این کشور است اما راه کارگر در این مورد سکوت میکند. راه کارگر در این مورد می نویسد: بحران کنونی "نتیجه عملکرد رویزیونیستی در دهه های رهبری لهستان" می باشد. به بیان دیگر رهبری در اس خود پرولتری است حزب و دولت در اس خود کارگری است لیکن در نهادها "عملکرد رویزیونیستی" وجود دارد!

این رفقا به آرایش رویزیونیسم می پردا ز نند. آنان ما هیت رویزیونیستی حزب و دولت را تا سطح "عملکرد رویزیونیستی" تقلیل میدهند و بدین ترتیب

به مشا طه گری رویزیونیستیها می پردا ز نند. آری این رفقا به سبب گرایشات رویزیونیستی خود تا توان از تحلیل بنیادی بحران در لهستان می باشند. و از گفتن اینکه این مبارزه، مبارزه بین طبقه کارگر و بورژوازی حاکم است وحشت دارند. این رفقا ربا بدروشن کنند که در این مبارزه از کدام طبقه علیه کدام طبقه دفاع می کنند. نمیتوان با یکی به نعل و یکی به میخ از پاسخ صریح و روشن به این پرسشها طفره رفت.

اقلیت سازمان چریکهای فدایی خلق: سکوت

در جنبش کمونیستی میهن ما، نیروهای که علیرغم مرز بندی اگرچه تا روشن و مبهم در مقابل سیاستهای رویزیونیستی و ارتجاعی حزب توده، با سوسیا لیسم امپریالیسم و کشورهای رویزیونیستی اروپای شرقی مرز بندی ندارند در مورد اعتما با ت اخیر کارگران لهستان سکوت کرده اند. سکوت این نیروها از جمله رفقای اقلیت سازمان چریکهای فدایی خلق ناشی از تنزلات رویزیونیستی و ناشی از آشفتگی سردرگمی آنان در شناخت ما هیت ایدئولوژیک... سیاسی و طبقاتی رویزیونیسم و چگونگی استعنا له حزب کمونیستی و کارگری کشورهای شوروی و اروپای شرقی به احزاب بورژوا رویزیونیستی می باشد. مبارزات طبقه کارگر لهستان جلوه ای از وجود طبقات و مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی در لهستان است. اعتما با ت زحمتکشان این کشور نشان داد که حزب و دولت حاکم در این کشور حزب و دولتی بورژواشی و برضد طبقه کارگر و توده های زحمتکشانند. اما از این رفقا می پرسیم: انگیزه این اعتما با ت چه بوده است؟ تسکین و تحولات درون حزب و دولت لهستان بر چه پایه مادی صورت گرفته است؟ استعنا د بورژوا رویزیونیستی حاکم از زکلیما و اسقفها چرا: نجا گرفته است؟ امولا چه انگیزه ای کارگران را وادار کرده است که آنها در کشور "سوسیا لیستی" لهستان داشتن حق اعتما با ردارا س خواه شده ای خود قرار دهند؟ و... اما از این رفقا تاگزیرند موضع خود را در برابر رویزیونیسم اعلام رند. انترناسیونالیسم پرولتری حکم میکند که این رفقا نیز به همستگی و پشتیبانی خود را از مبارزه طبقه کارگر لهستان علیه بورژوازی حاکم اعلام نما بند.

رزمندگان: نه سیخ بسوزند نه کباب

رفقای "رزمندگان" موضع "نه سیخ بسوزند نه کباب" را در قبال جنبش طبقه کارگر در لهستان گرفته اند. آنها بدون آنکه از ما هیت بورژواشی و سرما به داری حزب و دولت حاکم در لهستان سخنی به میان آورند این دولت را دولت رویزیونیستی محسوب میکنند که با "سلب قدرت کارگران به حکومت رسیده است"

رفقای "رزمندگان" میگویند: "در کشورهای نظیر شوروی و لهستان - که رویزیونیستیها آنها را سوسیا لیست قلمداد میکنند - مدتهاست طبقه کارگر قدرت سیاسی خویش را از دست داده است اینگونه حکومتها چون کارگری نیستند، صدکا رگرند!" (ضمیمه رزمندگان شماره ۲۶)

سپس حمایت خود را از خواستهای کارگران اعلام میدارد. این رفقا در کشورهای نظیر شوروی و لهستان فقط و بطور مجرد شکل ظاهری - و نه ما هیت طبقاتی - دولت را هدف قرار داده اند. و از همین زاویه از پاسخ به این سوال که دولتهای چنین کشوری برپا به کدامین مناسبات اقتصادیه - اجتماعیه حاکم هستند، طفره

۱۷ شهریور: نقطه عطفی در انقلاب دمکراتیک و ضداپریالیستی خلفهای ایران

سیاست را همبا خشونت جهنمی خودبیکار رسیدوناگریرشد
ما سگ فریبکاری لیبرال نمائی را خیلی زودا زچهره
بردارد.

تظاهرات با مداد ۱۷ شهریور میدان شهدا (میدان
زاله سابق) با خشونت هرچه تمامتر به خون کشیده شد و
هزاران نفر به خاک افتادند. موقعیت انقلابی از همین
زمان شروع گشت: "نه رژیم میتوانست به حکومتش
ادامه دهد و نه مردم میتوانستند آن حکومت را حاصل
کنند". آنچه در ۱۷ شهریور وقوع بیست مرگ رژیم
را با لسان نویسد میداند، بیکار دیگر معلوم شده که آنچه
ادامه حکومت سرما به دوران واریان آمریکا ایشان
را تعیین میکنند سرکوب است. رژیم تنها با زبان گلوله
و توب میتوانند با خودها سخن گوید. قتل عام صورت
گرفت و یکبار دیگر درسی بزرگ به خودهای بیباخته
داد: زراهی جز مقلد به مثل نیست، زراهی حرکتش
از لوله تفنگ برای واژگونی رژیم وابسته به امپریا -
لیسم شاه و کسب قدرت سیاسی وجود ندارد. نقطه قیام
توده ای مسلحانه بهیمن ما در ۱۷ شهریور شده است.
نقطه ای که شد کرد، درس سازشنا پذیری آموخت و در
هر قدم آزموید.

اما این درس بزرگ که توده ها فرا گرفتند، بخاطر
توهماتنی که نسبت به "رهبران جنبش" داشتند، بخاطر
آنکه جنبش از حزب انقلابی بیخنا زور رهبری گسسته
طبقه! رگم بروم بود، بخاطر آنکه توده ها با بسادی
کور نسبت به رهبران داشتند از آن تجربه عظیم، درس
کافی نتوانستند بگیرند:

فربا دها و شعراهی "رهبران! مارا مسلح کنید"
که بطور خودبخودی در نتیجه تاجری نظیر ۱۷ شهریور
از لحاظ نموده ها بر میخاست، بساخ خود را از رهبران
سازگار، و او رونه می شنید. هاشمی رفیقان که از
نزدیکترین افراد به رهبری بودا اعتراف میکنند که در
برای شعرا: "رهبران ما مارا مسلح کنید" از زبان رهبری
می گفته است: "حالا وقتش نیست!" و توده ها دست
خالی به سوی ناگهان هجوم میبردند و در میشدند.
لیبرالها که ما سگ فریب برگردا انقلاب خروشان خلق
سوار شده بودند و خرده بورژواهای مرفه سنتی، راهی جز
مناشات و چانه زدن و امنی زگرفتن ارا میریالیسم
آمریکا و عمالشان نداشتند.

چنین بود که تلاش قهرمانانه توده ها برای نابودی
ارتجاع و سلطه امپریالیسم و برپائی رژیم جمهوری
دمکراتیک خلق بخاطر آنکه از حزب انقلابی طبقه
کارگر محروم بودند، بخاطر آنکه رهبران بدست
متحدان بورژوازی بود، بشمر نرسید. اینک برده های
توهمنا بیکی پس از دیگری کتا میروند و بندریسج
می فهمند که کشتارهای عام دیگری در دوران جمهوری
اسلامی نیز در کردستان و ترکمن صحرا و در اینجا و آنجا
بقوع می بینند و دوباره چاره ای جز بسودن راه
انقلاب ولی این بار جنبه تحت رهبری طبقه ای تا به
آخر انقلابی - طبقه کارگر نیست. خون شهدا ۱۷
شهریور ما را هم مانا به ادامه بیکران انقلاب فرامیخواند.

قابل توجه کلیه رفقای سازمانی و هواداران



رفقا، دوستان، زنان آگاه و انقلابی!
زمان زحمتکش میهن ما با مشارکت فعال خود در
سیارزات توده ای سالهای اخیر، حرکت نویتری را برای
شکست فعال خود در مبارزه طبقاتی بنمایان گذاشتند،
آنها چه در جنبش خانمازی در خارج محدود و چه بعد از
آن در تظاهرات بزرگ و خونین دوران سیاه رژیم شاه
و چه در قیام مهرشکوه بهیمن ما و چه پس از آن نتوانستند
داده اند که دوش بدوش مردان آماده هرگونه فداکاری اند
این حرکت نشانهای از ظرفیت و قابلیت توده های
زحمتکش و آگاه زنان برای شکست فعال در میسارز
طبقه ای است. ظرفیت و قابلیت میهنی که میبایست از
جانب کمونیستها تقویت شده و در راه رسیدن به آرمان -
های طبقه کارگر و پیروزی انقلاب دمکراتیک و ضد
امپریالیستی خلق بکار گرفته شود.
برای منظور فوق و برای شناخت همه جانبه از
بغیبه در صفحه ۴

۳۰ میلیون تومان برای امل، برای فلسطین هیچ

Logo of the Islamic Republic of Iran and a form for donations to the Amal movement for Palestine. The form includes fields for name, address, and phone number, and a section for the amount of the donation.

با رها گفته ایم رژیم جمهوری اسلامی ایران خواستار
کمک به انقلابیون فلسطینی نیست و علیرغم دعا های
گوشخاش و سوگ استفاده از نام فلسطین جهت متفرقی
و انقلابی نشان دادن خود، کمکی به خلق فلسطین نمی
کند. با رها طبق اسناد غیرقابل انکار نشان داده -
ایم که رژیم جمهوری اسلامی هم مانند دیگر رژیمهای
ارتجاعی منطقه میکوشد از "تدخل خلق فلسطین برای
خودکلاهی بدوزد". این را نیز اثبات کرده ایم که تبدیل
نام "اسرائیل، دشمن صهیونیستی و اشغالگر فلسطین"
به "رژیم اشغالگر قدس" و تکرار لفظ خلق مسلمان فلسطین، هدفی
جز تفرقه افکنی و ضربه زدن به خلق فلسطین ندارد، چرا
که خلق فلسطین از مسلمانان، مسیحیان، یهودیان
تشکیل میشود. رژیم جمهوری اسلامی میخواهد انقلاب
خود را اینچنین به فلسطین "ما در کند".
در مقابل اشغالگرانهای که میبایست "روز قدس"
منتظر کردیم (بیکار ۶۷) سندی چاپ نمودیم که براساس
آن دولت ایران از "اسرائیل" سلاح خریداری میکند
و مکرر گفته ایم که بجای کمک به خلق قهرمان فلسطین
رژیم جمهوری اسلامی بولی را که از جیب مردم ما می -
گیرد بر خلاف میل آنها به کیسه سا زمان ارتجاعی "امل"
سرازمیر میکند تا این سازمان بهتر بتواند علیه
انقلابیون فلسطینی در بیروت و میدا و صور و شهرهای
دیگر لبنان بجنگد. سا زمان امل از برکت پارتنری هائی
مثل چمران در ایران و دفتر ویلیاگا آموژی وحتسی
امکانات پلیسی و جاسوسی دارد و در راه دیوتولیو بیژن
و مطبوعات ایران به تبلیغات دروغین از خود و تاسیه

گرامی باد یاد شهدای جمعه سیاه